

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی

پایه نهم

دوره اول متوسطه

۱۳۹۴





وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

● برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

● نام کتاب: عربی پایه نهم دوره اول متوسطه - ۱۴۱۰

● شورای تألیف و برنامه‌ریزی درسی: عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری، علی‌اکبر روشندل، اباذر عباچی، فاطمه فهیمی، مهری‌السادات میرحسینی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف نژاد

● مؤلفان: عادل اشکبوس، حبیب تقوایی و اباذر عباچی

● ویراستار: محمدکاظم بهنیا

● آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹، وب سایت: www.chap.sch.ir

● مدیر امور فنی و چاپ: لیدا نیک‌روش

● مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

● طراح جلد، طراح گرافیک و صفحه آرا: مؤسسه نقطه گرافیک

● عکاسان: عادل اشکبوس، محمد مهدی ذبیحی‌فرد، فاطمه یوسف‌نژاد، زهرا یوسف‌نژاد، کورش اشکبوس، حجّت‌الله عباسی، آزاده امینیان

● حروفچین: عادل اشکبوس، زینب یوسف‌نژاد

● امور آماده‌سازی خیر: سپیده ملک ایزدی

● امور فنی رایانه‌ای: مریم دهقان‌زاده، فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد

● ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۰-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۰

● چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

● سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۴

● حق چاپ محفوظ است.



روح الله يوم خميني

قال الإمام الخميني (رحمه الله): «اللغة العربية لغة الإسلام.»



الفهرس

- ١ ----- الدرسُ الأولُ مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ ----- ﴿﴾
- ١٥ ----- الدرسُ الثاني قَوَانِينُ المُرُورِ ----- ﴿﴾
- ٢٩ ----- الدرسُ الثالثُ جِسْرُ الصَّدَاقَةِ ----- ﴿﴾
- ٣٩ ----- الدرسُ الرابعُ الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الفَرَجِ ----- ﴿﴾
- ٤٩ ----- الدرسُ الخامسُ الرِّجاءُ ----- ﴿﴾
- ٦١ ----- الدرسُ السادسُ تَغْيِيرُ الحَيَاةِ ----- ﴿﴾
- ٧١ ----- الدرسُ السابعُ ثَمَرَةُ الجِدِّ ----- ﴿﴾
- ٨١ ----- الدرسُ الثامنُ حِوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سائِقِ سَيَّارَةِ الأَجْرَةِ ----- ﴿﴾
- ٩١ ----- الدرسُ التاسعُ نُصُوصٌ حَوْلَ الصِّحَّةِ ----- ﴿﴾
- ١٠١ ----- الدرسُ العاشِرُ الأَمَانَةُ ----- ﴿﴾
- ١١٠ ----- المَعْجَمُ ----- ﴿﴾



سخنی با دبیران، مدیران مدارس، گروه‌های آموزشی و اولیای دانش‌آموزان

دبیر باید برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب عربی پایه هفتم و هشتم را تدریس کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی - توجیهی ضمن خدمت را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را مطالعه کرده باشد.

خدای مهربان را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش سومین کتاب درسی زبان عربی به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم. شورای تألیف کتاب‌های درسی عربی، شامل گروهی از استادان دانشگاه و معلمان است. این کتاب همچون دو کتاب قبلی پیش‌از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است، تا اشکالات آن برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد.

رویکرد « برنامه درسی عربی» بر اساس «برنامه درسی ملی» این است:

«پروورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان

و ادبیات فارسی»

شیوه کتاب متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده عربی را در حد ساختار خوانده شده درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب ۲۳۲ واژه جدید به کار رفته؛ اما حدود ۶۰۰ واژه عربی هفتم و هشتم نیز در آن تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب، آموزش حدود ۸۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است که با احتساب جمع‌های مکسر به حدود ۹۰۰ واژه می‌رسد.

کتاب بر اساس اسناد بالادستی، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده نقشه راه برای تألیف کلیه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین و کتاب‌های آموزش

زبان سایر کشورها توجه شده است.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته اند. تصاویر، عبارات، متون و تمرین‌های کتاب افزون بر آموزش زبان عربی؛ به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند.

از آنجا که دانش‌آموز پایه نهم در پایه‌های هفتم و هشتم کلمات بسیاری را آموخته و تاحدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا متن‌های این کتاب کمی طولانی‌تر از کتاب‌های قبلی شده است.

به استناد برنامه درسی ملی و بنابه درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان مجدداً مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پر تحرک و فعال می‌سازد ولی مکالمه همچنان هدف اصلی آموزش کتاب حاضر نیست.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب

۱. کتاب عربی پایه نهم در ده درس تنظیم شده است و هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۲. این کتاب همچون دو کتاب عربی پایه هفتم و هشتم متن محور است و بر ترجمه و درک و فهم و واژه شناسی تأکید می‌شود.

۳. ساختار آموزشی کتاب، افزون بر یادآوری مفاهیم دو کتاب پیشین، فعل‌های امر و نهی، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات و ساعت شماری است. هدف در آموزش فعل، تنها شناخت انواع فعل است. دانش‌آموزان فعل را در جمله معنا می‌کنند. همچنین باید فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی و مستقبل را در جمله تشخیص دهند. هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند؛ مثال: «شاهدتُ أخي العزيزَ في المسجدِ». این مطلب در سال‌های آینده بیشتر توضیح داده خواهد شد و در پایه نهم فقط در حد مثال‌هایی که در کتاب آمده است کفایت می‌کند و نیازی به شرح و بسط بیشتر ندارد. در وزن و حروف اصلی

نیز به آموزش مفهوم دو وزن فاعِل و مَفْعول پرداخته شده و در سال آینده این بحث زمینه‌ای برای ورود به مبحث اسم مشتق است. همچنین در یکی از تمرین‌ها ماضی و مضارع باب‌های ثلاثی مزید آمده است. اما مطلقاً آموزش ثلاثی مزید از اهداف این کتاب نیست. این تمرین صرفاً جهت آشنایی مختصر و سطحی با این بحث است. در ساعت شماری نیز فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده است و ساعتی مانند «چهار و بیست و پنج دقیقه» از اهداف کتاب نیست.

۴. آنچه را دانش‌آموز در زمینه قواعد ضروری نیاز دارد به تدریج خواهد آموخت؛ لذا نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

۵. کارهایی مانند اجرای گروهی مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسی که وقت اضافه دارند، یا مدارس خاص می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند.

۶. اکنون دانش‌آموز پس از دو سال تسلط نسبی به دست آورده و تا اندازه‌ای با زبان عربی آشنا شده است، ولی با وجود این از او ساخت انواع فعل و تعریب (ترجمه از فارسی به عربی) را نمی‌خواهیم.

۷. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده است. لذا به ویژه از اولیای دانش‌آموزان که با سبک گذشته خو گرفته‌اند و می‌خواهند به فرزندانشان کمک کنند درخواست می‌گردد به این مطلب مهم توجه کنند. آموزش ضمایر و صیغه‌های افعال بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هُوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ)

۸. این کتاب مکمل و پشتیبان آموخته‌های دو کتاب پیشین در زمینه واژگان و ساختار است.

۹. در بخش «بدانیم» آموزش ساختار زبان به کمک تصاویر صورت گرفته است. هدف از دو بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند.

در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است بنابراین، سهم نمره بخش قواعد در بارم بندی اندک است.

۱۰. گرچه در بخش الْمُعْجَم مضارع فعل‌هایی مانند قَالَ، دَعَا و أَجَابَ نوشته شده است ولی ساختن فعل مضارع این فعل‌ها از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز فقط باید فعل ماضی و مضارع را بشناسد و معنای آن را بداند؛ مثلاً در (قَالَ - يَقُولُ) لازم نیست بداند مضارع فعل «قَالَ» چیست؛ بلکه باید بداند معنای «يَقُولُ» چیست. او باید در اثر تکرار کلمات در متن کتاب به تدریج «قَالَ - يَقُولُ» را بشناسد.

۱۱. طرح سؤال امتحان کتبی نوبت اول و دوم از ۱۵ نمره است. ۵ نمره

شفاهی مربوط به قرائت و مکالمه است.

۱۲. از طرح سؤال در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» جداً خودداری شود.

۱۳. «ساخت جمله عربی» در متوسطه اول مد نظر نیست. (در بخش مکالمه یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست).

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی خودداری کرد؛ مثال:

این جمله را به مضارع تبدیل کنید: دَهَبْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ وَأَنْتَ مَا دَهَبْتَ.
جمله زیر را با توجه به کلمات داده شده بازنویسی کنید:

أَكْتُبُ وَاجِبَكَ يَا أَخِي.

... .. يَا أَخْتِي.

۱۵. معنای کلمات جدید باید در جمله سؤال شود. به دیگر سخن نباید در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم معنای کلمات را بیرون از جمله از دانش‌آموز پرسید. دانش‌آموز باید عبارت و متن را درست بخواند و کلمات جدید آن را با توجه به قرائن موجود در جمله معنا کند. هدف از گنجاندن واژگان جدید در آغاز هر درس، تسهیل و تلطیف آموزش و مشارکت هرچه بیشتر دانش‌آموز در ترجمه متن هر درس است.

۱۶. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعّالیّت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۷. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. به جای اینکه وقت دانش‌آموز صرف نوشتن شود باید بیشتر صرف مهارت‌های زبانی خواندن، شنیدن و فهمیدن گردد. رونویسی دروس و املا در هیچ یک از سه کتاب عربی دوره اول متوسطه لازم نیست.

۱۸. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های آینده نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود. چنانچه تمایل دارید از نظریّات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

وبلاگ‌های دبیران و گروه‌های آموزشی فعّال در وبگاه گروه عربی دفتر تألیف

برای آشنایی شما لینک شده است.

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.

أَيَّتُهَا الطَّالِبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.



أَيُّهَا الطُّابُّ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.





الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ

الْمُعْجَم (١٦ كلمة جديد)

یادگیری معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق گردد.

«مفرد : صَعَب»

عام : سال

قیام : برخاستن

كِتَابَةٌ : نوشتن

مَرَحْمَةٌ : مهربانی

ها : هان

دِرَاسِيّ : تحصیلی

دَرَسَ : درس داد (مضارع : يَدْرُسُ)

زَادَ : زیاد کرد، زیاد شد

(مضارع : يَزِيدُ)

سَأَلَ : درخواست کرد، پرسید

(مضارع : يَسْأَلُ)

صِعَاب : سختی‌ها

إِبْتَدَأَ : شروع شد (مضارع: يَبْتَدِئُ)

تَخَرَّجَ : فارغ التحصیل شد

(مضارع : يَتَخَرَّجُ)

بَنِينَ : پسران

تَلْمِيزٌ : دانش آموز «جمع: تلاميذ»

جُلُوسٌ : نشستن

دِرَاسَةٌ : درس خواندن، تحصیل

أَهْلًا وَ سَهْلًا

يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛

هُم يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ. يَبْتَدِئُ فَصْلُ الدَّرَاسَةِ وَ

الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كَلَامِي أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ دُرُوسِي أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

أَقْرَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كِتَابِي أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي

مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ

هَذَا كُتُبِي أَنْوَارُ سَمَائِي مَرْحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ أُمُورِي فَاسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُرُورِي

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● ترجمه احادیث زیر را کامل کنید^۱.

۱. «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.»

..... بهترین مردم کسی است که

۲. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ.»

..... قطعاً خدا زیباست

۳. «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا؛ فَكَانَهُ جَاهِلٌ.»

..... هر کس دانشی را پنهان کند؛

۴. «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.»

..... هیچ خیری در سخنی نیست

۵. «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.»

..... بیشتر گناهان آدمی زاد

التَّمْرينُ الثَّانِي

● احادیث زیر را بخوانید سپس ترجمه درست را انتخاب کنید^۲.

۱. «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.»

الف. به راستی که حسادت نیکی را از بین می‌برد؛ مانند آتش که محصول را از بین می‌برد.

ب. قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد، همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

۱. كُلُّ الْأَحَادِيثِ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۲. الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الثَّلَاثِ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْحَدِيثُ الرَّابِعُ وَ الْخَامِسُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ ع.

۲. «أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.»

الف. داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خودش بیفزاید.

ب. عالم ترین مردم، کسی است که علم خودش را از علم مردم کمتر بداند.

۳. «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.»

الف. سخن مثل درمان است؛ اندک آن سریع شفا می‌دهد و بسیار آن می‌کشد.

ب. سخن مانند داروست؛ اندکش سود می‌رساند و بسیارش کُشنده است.

۴. «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ.»

الف. قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

ب. حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

۵. «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.»

الف. غریب کسی است که دوستی ندارد.

ب. غریب آن کسی است که با دوستش رابطه خوبی ندارد.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● به فارسی ترجمه کنید!

۱. ﴿يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ﴾

۱. عَلَى التَّرْتِيبِ «الْحَجَّ ۱۸»، «يُوسُفَ ۴»، «يُونُسَ ۴۴» وَ الْحِكْمَتَانِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

﴿٢﴾ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٢﴾

﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣﴾

﴿٤﴾ «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ.»

﴿٥﴾ «لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَطَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ.»

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● فعلهای ماضی و مضارع را در آیات زیر معلوم کنید.

﴿١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ﴿١﴾ الزُّمَرُ ٥٣

﴿٢﴾ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ﴿٢﴾ هُودُ ١٠١

﴿٣﴾ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ﴿٣﴾ الرَّومُ ٥٨

﴿٤﴾ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ يُونُسُ ٥٥

﴿٥﴾ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ﴿٥﴾ التَّنْجِيلُ ٦٥

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه ناقص را کامل کنید.

۱. لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿المؤمنون ۱۹﴾

برای شما در آن بسیاری هست و از آن

۲. يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿التور ۳۵﴾

خداوند برای مردم مثلها و خداوند به هر چیزی است.

۳. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿يونس ۶۲﴾

هان، قطعاً خدا نه ترسی بر ایشان هست و نه

۴. الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿الحج ۹۶﴾

کسانی که همراه خدا خدایی دیگر قرار می‌دهند.....

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● کدام فعل از نظر زمان با بقیه فعلها «ناهماهنگ» است؟

۱. جَعَلْنَا □ يَسْمَحَانِ □ تَقْطَعَانِ □ نَهْرُبُ □

۲. أَخَذْتُمْ □ أَسْمَعُ □ أَمَرُوا □ أَكَلْنَا □

۳. جَلَبْتُ □ يَجْمَعُ □ كَتَمَا □ جَلَسُوا □

۴. نَحْرُسُ □ حَصَدْتَ □ تَخْدِمِينَ □ يَخْلُقُ □

۵. تَطْرُقَنَّ □ شَرَحَا □ صَنَعْتُنَّ □ صَعَدَنَّ □

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

۱. هُم : صَبَرْتُمْ □ عَبَرْتُنَّ □ عَرَفُوا □ عَلِمْنَا □
 ۲. أَنْتُمْ : يَعِشُونَ □ تَظْلِمُونَ □ يَطْبُخْنَ □ تَضْحَكِينَ □
 ۳. نَحْنُ : نَغْسِلُ □ يَعْفِرُونَ □ أَفْتَحُ □ تَفْتَحْنَ □
 ۴. هُمَا : قَبِلْتُمَا □ قَرَّبْتُ □ قَدَرْنَا □ فَعَلْنَا □
 ۵. هِيَ : تَكْتُمَنَّ □ تَفْذِفُ □ يَكْذِبَانِ □ نَلْبَسُ □

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

● فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

.....	سَيَجْلِسُ	لا يَجْلِسُ	نشست	ما جَلَسَ
.....	سَوْفَ تَذْهَبُونَ	می‌روید	تَذْهَبُونَ	ذَهَبْتُمْ
نشیدیم	ما سَمِعْنَا	سَمِعْتُنَّ	سَمِعْنَ
نگاه می‌کنم	أَنْظُرُ	نَنْظُرُ	يَنْظُرُ
.....	صَدَقْتُ	راست گفתי	صَدَقْتُ	صَدَقْتُ
.....	تَعْرِفِينَ	تَعْرِفُونَ	می‌شناسند	يَعْرِفُونَ

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ

● با توجّه به تصویر پاسخ دهید.



هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟



مَاذَا عَلَى الشَّجَرَةِ؟



سَعْدِي الشَّيرازِي

لِمَنْ هَذَا الْمَرَقَدُ؟



أَيْنَ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟



كَمْ كُرْسِيًّا حَوْلَ الْمِنْصَدَةِ؟



جَابِرُ بْنُ حَيَّانٍ عَالِمُ الْكِيمِيَاءِ

فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟



مَتَى تَلْعَبْنَ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ؟



مَاذَا فِي هَذِهِ السَّاحَةِ؟



بِمَ يُسَافِرُ الْحَجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ؟



يَا تَلْمِيذَاتُ، كَيْفَ حَالِكُنَّ؟

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ

● در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

١. واحد / اثنان / / أربعة / / ستة / / ثمانية

/ / عشرة / / اثناعشر

٢. الأول / / الثالث / / الخامس / / السابع

/ / التاسع / العاشر / / الثاني عشر

٣. يوم السبت / الأحد / / الثلاثاء / / الجمعة

٤. الربيع / / الخريف /

٥. الفطور في الصباح / الغداء في الظهر / / في الليل

التَّمْرِينُ الْحَادِي عَشَرَ

● به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. مَنْ أَنْتَ؟

.....

۲. كَيْفَ حَالُكَ؟

.....

۳. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

.....

۴. فِي أَيِّ صَفِّ أَنْتَ؟

.....

۵. مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟

.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ

● برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

.....	۸- (هُمَا □ أَنْتُمَا □) طَلَبْتَا	۱- (أَنْتَ □ أَنْتُمَا □) تَعَلَّمَ
.....	۹- (هُنَّ □ أَنْتُمْ □) وَصَلْتُمْ	۲- (هُمَا □ هِيَ □) يَضْحَكَانِ
.....	۱۰- (هُوَ □ أَنْتِ □) نَدِمْتِ	۳- (هُم □ نَحْنُ □) نَجَحْنَا
.....	۱۱- (أَنْتُمَا □ هُنَّ □) يَقْدِرْنَ	۴- (هُم □ أَنْتُمَا □) يَنْصُرُونَ
.....	۱۲- (هِيَ □ أَنْتِ □) قَرُبْتُ	۵- (أَنْتَ □ أَنْتُمَا □) لَا تَكْذِبُ
.....	۱۳- (أَنَا □ نَحْنُ □) نَقَطَعُ	۶- (هُم □ نَحْنُ □) وَجَدْنَا
.....	۱۴- (نَحْنُ □ هُوَ □) مَا نَفَعُ	۷- (أَنْتِ □ أَنَا □) أَنْظُرُ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ عَشَرَ

● کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

۱. مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخَةٌ □ حَقِيبَةٌ □
۲. مُحَافَظَةٌ □ قَرِيَّةٌ □ مَدِينَةٌ □ عَامِلٌ □
۳. بِنْتُ □ أُخْتُ □ لَوْنٌ □ جَدَّةٌ □
۴. قَدَمٌ □ قَوْلٌ □ يَدٌ □ عَيْنٌ □
۵. بَقْرَةٌ □ جَنَّةٌ □ فَرَسٌ □ سُنْجَابٌ □
۶. أُسْرَةٌ □ قَمَرٌ □ كَوْكَبٌ □ شَمْسٌ □
۷. أُسْبُوعٌ □ ذَهَبٌ □ شَهْرٌ □ سَنَةٌ □
۸. تُفَاحٌ □ زُمَانٌ □ تَمْرٌ □ سَحَابٌ □

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرَ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

۱. كُرَةُ الْقَدَمِ ○ مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفَطُورَ وَالْعَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.
۲. الْمُحَافَظَةُ ○ هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.
۳. الْمَطْعَمُ ○ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.
۴. الْمَسَاءُ ○ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ.
۵. الْغَابَةُ ○ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.
۶. الْغُرَابُ ○ وَقْتُ نِهَايَةِ النَّهَارِ وَبِدَايَةِ اللَّيْلِ.
۷. الصَّيْفُ ○

التَّمْرِينُ الْخَامِسَ عَشَرَ

● در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

عَلَيْكَ / ذَهَبِهِ / الْجُلُوسِ / الْحَجَرِ / الْجَاهِلِ / الْأَمَانُ / الصَّعَابِ

۱. أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ
۲. أَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّقْشِ فِي
۳. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ
۴. أَلدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ
۵. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةٍ

التَّمْرِينُ السَّادِسَ عَشَرَ

● متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کثیر / لیل / نهایه / قریب / جمیل / صداقه / یمن / غایه / شراء / فرح / کذب / حار

رَحِيصَةٌ	بَعِيدٌ	يَسَارٌ
بَيْعٌ	بِدَايَةٌ	بَارِدٌ
حَزَنٌ	قَبِيحٌ	صَدَقٌ
قَلِيلٌ	عِدَاوَةٌ	نَهَارٌ

التَّمْرِينُ السَّابِعَ عَشَرَ

● این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق / فَلَّاحانِ / شَجَرَة / رِياضِيونَ / سَيِّدات / مُدَرِّساتانِ

	مفرد مؤنث
	مثنای مذکر
	مثنای مؤنث
	جمع مذکر سالم
	جمع مؤنث سالم
	جمع مکسر



الدَّرْسُ الثَّانِي



الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم (٢٩ كلمة جديد)

صَدَمَ : برخورد کرد
(مضارع : يَصْدِمُ)
فَجْأَةً : ناگهان
قُبْح : زشتی
لَقَدْ : قطعاً
لِمَ : برای چه (ل + ما)
ما : آنچه
مُرور : گذر کردن
مُسْتَشْفَى : بیمارستان
مَمَرٌ مُشَاةٌ : گذرگاه پیاده
نَادَى : صدا زد
(مضارع : يُنَادِي)
هَادِيٌ : آرام

تَكَلَّمَ : صحبت کرد
(مضارع : يَتَكَلَّمُ)
حَذَّرَ : هشدار داد
(مضارع : يُحذِّرُ)
ذَكِيٌّ : باهوش
رَسَمَ : نقاشی کرد
(مضارع : يَرَسُمُ)
رَصِيفٌ : پیاده‌رو
رَقَدَ : بستری شد، خوابید
(مضارع : يَرْقُدُ)
سَتَرَ : پوشاند، پنهان کرد
(مضارع : يَسْتُرُ)
شَقَاوَةٌ : بدبختی
صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ : روزنامه
دیواری

أَمِنَ : ایمان آورد
(مضارع : يُؤمِنُ)
إِدَارَةُ الْمُرورِ : ادارهٔ راهنمایی و
رانندگی
أُسْوَةٌ : الگو
إِشَارَاتُ الْمُرورِ : علامت‌های
راهنمایی و رانندگی
إِفْتَرَبَ مِنْ : نزدیک شد به
(مضارع : يَفْتَرِبُ)
أَنْصَحَ : اندرزگوترین
بُكَاءٌ : گریه کردن، گریه
تالي : بعدی
«الْيَوْمُ التَّالِي» : روز بعد
تَصَادَمَ : تصادف کرد
(مضارع : يَتَصَادَمُ)

قَوَانِينُ الْمُرورِ

رَجَعَ سَجَّادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ فَجْأَةً وَ ذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ: «لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!» أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟» قَالَ: «نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟» أَجَابَ سَجَّادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ

بِالسَّيَّارَةِ؛ حَدَّثَ التَّصَادُمُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛
فَعَبَّرَ الشَّارِعَ فَجْأَةً وَ مَا نَظَرَ إِلَى الْيَسَارِ وَ الْيَمِينِ؛ إِفْتَرَبَتْ سَيَّارَةٌ مِنْهُ وَ
صَدَمَتْهُ.»

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟»

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ بِخَيْرٍ؛ كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.»

فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ
جِدَارِيَّةٍ.

ثُمَّ طَلَبَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ شَرْحَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي الْمَدْرَسَةِ.
جَاءَ شُرَطِيُّ الْمُرُورِ وَ شَرَحَ الْإِشَارَاتِ اللَّازِمَةَ لِلتَّلَامِيذِ وَ أَمَرَهُمْ بِالْعُبُورِ مِنْ مَمَرٍ
الْمُشَاهِدِ.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا.



الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.



الدَّوْرَانُ عَلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.



السَّيْرُ فِي هَذَا الطَّرِيقِ مَمْنُوعٌ.



مَمَرٌ الْمَشَاهِدِ.



تَقْتَرِبُ مِنَ الْمَطْعَمِ.



الْعُمَالُ يَعْمَلُونَ.

درستی یا نادرستی گزینه‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

۱. كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينَ الْمُرُورِ.
۲. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوْصَفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.
۳. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.
۴. أُسْرَةُ سَجَادٍ مَا عَرَفَتْ حُسَيْنًا.
۵. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ قَلِيلَةً.

بدانیم

وزن و حروف اصلی



۱. بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال:

حروف اصلی	کلمات هم خانواده
ح ك م	حَاكِمٌ، مَحْكُومٌ، حَكِيمٌ، حِكْمَةٌ، مُحَاكِمَةٌ، حُكُومَةٌ، أَحْكَامٌ
ع ل م	عَالِمٌ، مَعْلُومٌ، عَلِيمٌ، تَعْلِيمٌ، أَعْلَمٌ، عُلُومٌ، إِعْلَامٌ

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و ...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده‌اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند. شناختن حروف اصلی به املا می‌کمک می‌کند. با نگاه به هم‌خانواده‌های یک کلمه می‌توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه‌ها «مُجَالَسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إجلاس / جلوس / جَلَسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ درمی‌یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

 سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

رافِع، مَرْفُوع، رَفِيع: ناظِر، مَنظُور، تَظِير: قَادِر، مَقْدُور، قَدِير:
حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند؛ «حروف زائد» نامیده می‌شوند. این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند. حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند.

مُ	ج	ا	ل	س	ة	↔	مُجَالَسَة
مُ	ف	ا	ع	ل	ة	↔	مُفَاعَلَة

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِر عَارِفِ ظَالِمِ فَاتِحِ قَاتِلِ ضَارِبِ رَافِعِ
مَفْعُول	مَنْصُورِ مَعْرُوفِ مَظْلُومِ مَفْتُوحِ مَقْتُولِ مَضْرُوبِ مَرْفُوعِ

 کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مفعول است؟ مَقْطُوع، حَامِد، عَابِد، مَذْكَور

فَنِّ تَرْجَمَه

با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول» به معنای

«انجام شده» است؛ مثال:

حامد: ستاینده، مَحْمُود: ستوده شده

ترجمه کنید.

يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ!

التَّمَارِين

التَّمْرِينُ الأوَّلُ

● حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابِد، مَعْبُود :

فَاتِح، مَفْتُوح :

كَاتِب، مَكْتُوب :

ضَارِب، مَضْرُوب :

خَادِم، مَخْدُوم :

شَاهِد، مَشْهُود :

● وزن کلمات جدول را بنویسید!

مضارع	ماضی	ریشه
يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
يُسَلِّمُ	سَلَّمَ	س ل م
يَتَعَامَلُ	تَعَامَلَ	ع م ل
يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ	ع ل م
يَسْتَخْدِمُ	اسْتَخْدَمَ	خ د م
يُسَافِرُ	سَافَرَ	س ف ر
يَنْكَسِرُ	انْكَسَرَ	ك س ر
يَشْتَغِلُ	اشْتَغَلَ	ش غ ل

التَّامِرِينُ الثَّلَاثُ












● پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به هم را به یکدیگر وصل کنید.

۱. قَوَانِينُ الْمُرُورِ ○ قَوَاعِدُ السَّيْرِ وَ الْمُرُورِ فِي الشَّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ.
 ۲. الْمُسْتَشْفَى ○ أَوْرَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى.
 ۳. الرَّصِيفُ ○ جَانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.
 ۴. الصَّحِيفَةُ ○ مَكَانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى.
 ۵. الْبُكَاءُ ○ جَرَيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ.

التَّامِرِينُ الرَّابِعُ

● جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

هو - هما - هم - هي - هن - أنت - أنتما - أنتم - أنتِ - أنثن - أنا - نحن

		من
		تو
		او
			ما
	
	
			ایشان

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

التَّالِي / جِدَارِيَّةٌ / تَصَادَمَتَا / تَلْمِيذٌ / الدُّمُوعُ / حَدَّثَ

۱. يا زَمِيلِي، ما بِكَ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا

۲. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةٍ

۳. أَخِي فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.

۴. السِّيَّارَتَانِ أَمَامَ بَابِ الْمَصْنَعِ.

۵. جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلَةِ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

۱. هَادِيٌّ □ سَيَّارَةٌ □ سَفِينَةٌ □ طَائِرَةٌ □

۲. شَارِعٌ □ سَاحَةٌ □ خَاتَمٌ □ رَصِيفٌ □

۳. أَكَلَ □ رَأَى □ شَاهَدَ □ نَظَرَ □

۴. مَاءٌ □ شَرَابٌ □ شَايٌ □ جَارٌ □

۵. يَدٌ □ لِسَانٌ □ سِنَّةٌ □ نَادِيٌّ □

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

فَاعِلٌ : يَفْعُلٌ : فَعَالَةٌ :

فِعْلٌ : فِعَالٌ :

۱. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲. شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵. ﴿ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾ الْفَاطِرُ ۲۸

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

● متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. إِسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمٌ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخْوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادٌ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ؛

إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَالْآنَ هُوَ حُلْوَانِيٌّ. جَوَادٌ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ
«سَراوان» فِي مُحَافَظَةِ «سَيِسْتان و بَلوِشْتان».

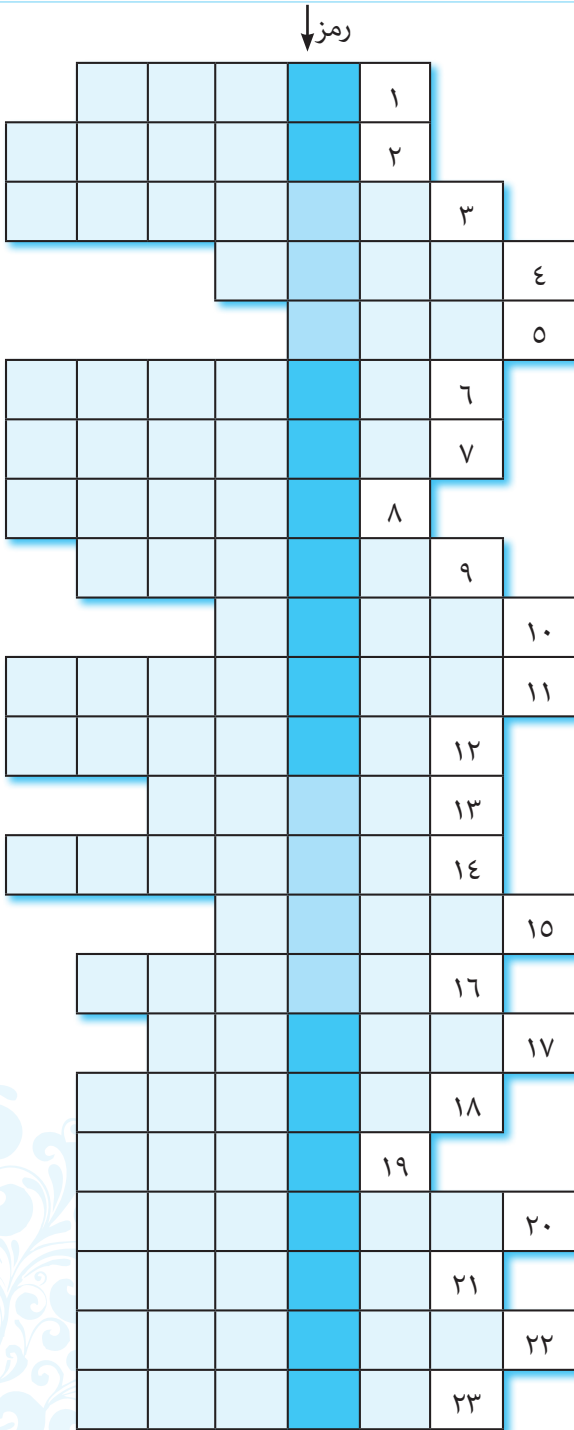
١. لِمَاذَا لَا تَذْهَبُ مَهْدِيمَ وَ لالينَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
.....
٢. مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنِينَ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟
.....
٣. مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟
.....
٤. مِنْ أَيِّنَ هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟
.....
٥. فِي أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟
.....
٦. كَمْ أُخْتًا لِإِسْحَاقُ؟
.....



التَّمْرِينُ التَّاسِعُ

● با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز را به دست بیاورید.

تَصَادُمَات / تَكَلُّم / تَلَامِيذ / نَادِيْتُمْ / مَلَاعِب / أَزْهَار / مُسْتَشْفَى / إِفْتَرَبْتُ
/ شَقَاوَةَ / أَنْصَح / تَنْظُرُونَ / حَدَّرْتُمَا / أَخَوَات / إِخْوَةَ / بُكَاء / سَيَّارَات /
وَقَعْتَ / أَلْوَان / يَرْسُمْنَ / أَسْمَاك / فِضَّة / حَزِينَةَ / فَجَاءَةَ



۱	ناگهان
۲	نقاشی می‌کنند
۳	بیمارستان
۴	افتادی
۵	نقره
۶	صدا زدید
۷	دانش‌آموزان
۸	ماهی‌ها
۹	خواهران
۱۰	صحبت کردن
۱۱	تصادفات
۱۲	نزدیک شدی
۱۳	گریه کردن
۱۴	نگاه می‌کنید
۱۵	برادران
۱۶	شکوفه‌ها
۱۷	ورزشگاه‌ها
۱۸	رنگ‌ها
۱۹	اندرزگوترین
۲۰	هشدار دادید
۲۱	غمگین
۲۲	خودروها
۲۳	بدبختی

نور السّماء

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ البقرة ۶۲

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصف ۲

۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الأحزاب ۲۱

۴. ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ البقرة ۱۸۶

۵. ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ المُجادلة ۱۱



فَعَالِيَت

● یک روزنامه دیواری درباره معانی علائم راهنمایی و رانندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم (٢٩ كلمة جديد)

عَضِبَ : خشمگین شد
(مضارع : يَعْضَبُ)
عَضْبَان : خشمگین
قَاطِعُ الرَّحِمِ : بُرْنده پیوند
خویشان
قَبْلُ : بوسید (مضارع : يُقَبِّلُ)
قَسَمَ : تقسیم کرد
(مضارع : يُقَسِّمُ)
كَشَفَ : آشکار کرد
(مضارع : يَكْشِفُ)
مَخْزَنَ : انبار « جمع : مَخَازِنُ »

(مضارع : يَحْسَبُ)
حَفَرَ : گند (مضارع : يَحْفِرُ)
ذَهَاب : رفتن
رَاحِم : رحم کننده
رَجَاءٌ : لطفاً
رَحِمَ : رحم کرد (مضارع : يَرْحَمُ)
صِدْقٌ : راستی
« لِسَانُ صِدْقٍ : یاد خوب »
عَجَزَ : ناتوان شد
(مضارع : يَعْجِزُ)
عَدُوٌّ : دشمن « جمع : أَعْدَاءُ »

أَخِرَ : پایان « آخِرِينَ : آیندگان »
إِخْوَانٌ : یاران، برادران
« مفرد : أَخٌ »
إِعْتَذَرَ : معذرت خواست
(مضارع : يِعْتَذِرُ)
أَعْجَزَ : ناتوان ترین
إِكْتِسَابٌ : به دست آوردن
تَعَجَّبَ : تعجب کرد
(مضارع : يَتَعَجَّبُ)
جِسْرٌ : پُل « جمع : جُسُورٌ »
حَسِبَ : پنداشت

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ فِي مَرْزَعَةِ قَمَحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرِ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ: «أُخْرِجْ مِنْ مَرْزَعَتِي.»

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: «أُخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.»

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهِدَ نَجَّاراً؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتُ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ

عَدُوِّي؛ أَنْظُرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛
إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ عَضْبَانُ عَلَيَّ. عِنْدِي أَحْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَزِ؛ رَجَاءً،
إِصْنَعُ جِدَاراً خَشْبِيّاً بَيْنَنَا.»

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى
مَرْعَتِهِ مَسَاءً تَعَجَّبَ كَثِيراً؛ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَاراً؛ بَلْ صَنَعَ جِسْراً عَلَى النَّهْرِ؛
فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْراً؟!»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْراً فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيداً أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛
فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ؛

ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ ضَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛ عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ :

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعِ الرَّجْمِ وَ جَارِ السَّوِّءِ.



✍ با توجه به متن درس گزینۀ درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَؤُفَةٍ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا حَشِييًّا بَيْنَ الْأَخْوِيْنَ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ. |

فَعْلُ الْأَمْرِ (۱) (يا وَوَدُّ، اِفْعَلْ)، (يا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لِمَ أَنْتِ وَوَدُّ؟ اِفْعَلِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.



لِمَ أَنْتَ وَوَدُّ؟ اِفْعَلْ مَعَ زَمَلَائِكَ.

بدانیم

با فعل امر آشنا شوید. به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل امر		فعل مضارع		شخص
انجام بده	افْعَلْ	انجام می‌دهی	تَفْعَلُ	
	افْعَلِي		تَفْعَلِينَ	

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می‌شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می‌دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می‌نشین	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می‌آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می‌نویسی	اكتبْ: بنویس	تَصُدُقِينَ: راست می‌گویی	اصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

.....	اِزْرَعِي قَمْحًا.	اِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.
.....	ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ!	ارْزُقْ عَلمَ إیران.
.....	اَشْكُرِي أُمَّكَ.	اطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.

۲. مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانِ.

۳. الْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.

۴. بَعْدَ تَصَادُمِ سَيَّارَتَيْنِ يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ.

۵. الْجِسْرُ مَكَانٌ يَرَقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رَجَاءُ، اِلْعَبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمِنْصَدَةِ.



رَجَاءُ، اِلْعَبْ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ.

التَّمرينُ الثالثُ

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۰۹

۲. ﴿... اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء ۸۴

۳. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ المائدة ۸۳

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران ۱۴۷

التَّمرينُ الرابعُ

● هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِعب / صالحات / راحمون / زَوْجَة / جِسْرَيْنِ / تَلْمِيذَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه كنيد.

١. يا أَخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدْرِسِنَا.

٢. يا أُخْتِي، اِصْنَعِي مُسْتَقْبَلِكِ.

٣. يا أَيُّهَا التُّلْمِيذُ، اَشْكُرْ رَبَّكَ.

٤. يا أَيُّهَا التُّلْمِيذَةُ، اَشْكُرِي رَبَّكَ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● گزينه مناسب را انتخاب كنيد.

١. مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ! □ اِرْحَم □ اُسْجُد □

٢. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. □ مَخْزَنًا □ جَسْرًا □

٣. سَعِيدٌ اَلْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. □ قَسَمَ □ حَسِبَ □

٤. عَجَزَ الْمَرِيضُ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى. □ حَفَرَ □ رَقَدَ □

٥. ظَلَمْتَ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ. □ حُسْرَانٌ □ غَضْبَانٌ □

٦. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكِرَاسِيِّ. □ مَلْعَبٍ □ مَصْنَعٍ □

● کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جَمال / تَلْمِید / عِنْدَمَا / حَزین / قُبْح / مَحْزُون / لَمَّا / شَقَاوَة / طاب / سَعَادَة

..... / /
 /

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. اِعْلَمَنَّ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

.....

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

.....

۵. الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

۱. النَّصْر: پیروزی.

۲. حرف «ل» در «اجْعَل» در جمله «... اجْعَلِ الْعَفْوَ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در

کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجْعَلِ الْعَفْوَ).

فَعَالِيَّت

- یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم (٢٨ كلمة جديد)

فَقَدَ : از دست داد
(مضارع : يَفْقِدُ)
مُحَاوَلَةٌ : تلاش کردن
مَضَى : گذشت
(مضارع : يَمْضِي)
مَطَرٌ : باران «جمع : أمطار»
مُواصَلَةٌ : ادامه دادن
مياه : آبها «مفرد : ماء»
نَبَاتٌ : گیاه «جمع : نباتات»
نَزَلَ : پایین آمد (مضارع : يَنْزِلُ)
وَقَعَ : اتفاق افتاد، افتاد
وَلَوْ : اگرچه (وَلَوْ بِالصَّيْنِ :
اگرچه در چین باشد).

جَامِعَةٌ : دانشگاه
حَرْبٌ : جنگ «حَرْبِيَّةٌ : جنگی»
دُخَانٌ : دود
رَجَاءٌ : امید
رياح : بادهای «مفرد : ریح»
شَبَابٌ : جوانان «مفرد : شاب»
دورهٔ جوانی
صَرَخَ : فریاد زد (مضارع : يَصْرُخُ)
الصَّيْنُ : چین
ظَهَرَ : آشکار شد (مضارع : يَظْهَرُ)
عَصَفٌ : وزید
(مضارع : يَعْصِفُ)
فَرَجٌ : گشایش، رهایی از سختی

أَبْحَاثٌ : پژوهش‌ها
«مفرد : بَحْثٌ»
اِحْتَرَقَ : آتش گرفت
(مضارع : يَحْتَرِقُ)
أداء : به جا آوردن، انجام دادن
إِذٌ : آن‌گاه
أَصَابَ : برخورد کرد
(مضارع : يُصِيبُ)
أَفْرِقَةٌ : تیم‌ها، گروه‌ها
«مفرد : فَرِيقٌ»
انْكَسَرَ : شکسته شد
(مضارع : يَنْكَسِرُ)
بَعْتَةٌ : ناگهان

الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي بِلَادِ دَهَبِ اثْنَعَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ

الْجَامِعَةِ مَعَ أَسْتَاذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ أَبْحَاثِ

عَنِ الْأَسْمَاكِ؛ كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِيَةً؛ فَجَاءَهُ ظَهَرٌ

سَحَابٌ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِيَاخٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ

الْبَحْرُ مَوْجاً. فَأَصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛

السَّفِينَةُ **انكسرت** قليلاً وَلَكِنَّهَا ما غرقت؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرِحُوا كَثِيرًا وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا؛ مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ ما جاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ:

« يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَ اعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ ما حَدَثَ شَيْءٌ. عَلَيْكُمْ بِمُواصَلَةِ أبحاثِكُمْ.»

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرِقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ:
« يَا طُلَّابُ، اِبْحَثُوا عَن صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا الْحَطَبَ.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: « يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الصَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.»
وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: « يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ لَنَا طَعَامًا.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: « يَا طَالِبَتَانِ، اِبْحَثَا عَن مَوادِّ غِذائيَّةٍ.»
ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: « **اصْبِرُوا** إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ **﴿﴾** » مَضَى أُسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ. قَالَ الطُّلَّابُ: « لا رَجَاءَ لِنجاتِنَا.» فَقرأَ الْأُسْتَاذُ هذِهِ آيَةَ **﴿﴾** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا **﴿﴾**.

حَزَنَ الطُّلَّابُ وَ قالوا: « **فَقَدْنَا** سَفِينَتَنَا.»

وَ بَعَدَ أَدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ **بَعْتَةً**:

« أَنْظِرُوا يَا زُمَّلَتِي. أَنْظِرُنْ يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةُ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

السَّفِينَةُ الْحَرَبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرِحَ الطُّلَّابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:
« كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

أَجابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا **دُخانًا** مِنْ بَعِيدٍ. فَاتَيْنَا وَ شاهَدْنَاكُمْ.»

✍️ با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- ❑ ❑ ۱. ذَهَبَ الطُّلُبُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْيِئَةِ أبحاثٍ عَنِ النَّبَاتِ.
- ❑ ❑ ۲. ما وَجَدَ الطُّلُبُ إِنسانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.
- ❑ ❑ ۳. عَشْرَةُ طُلُابٍ كانوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.
- ❑ ❑ ۴. كانت مِياهُ الْبَحْرِ هادئةً فِي الْبدايَةِ.
- ❑ ❑ ۵. وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكايَةُ قَبْلَ سَنَتَيْنِ.

فِعْلُ الْأَمْرِ (۲) (يا أولادُ، افعلوا)، (يا بناتُ، افعلن)
(يا وكدان، افعلنا)، (يا بنتان، افعلنا)



رَجاءً، اجلسن هناك.



رَجاءً، انزلوا من الحافلة.



إِبحَثا عَنِ الْجَوابِ فِي الْكِتابِ.



إِبحَثا عَنِ الْجَوابِ فِي الْكِتابِ.

بدانیم

در این درس با فعل امر آشنا می‌شوید. به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

فعل امر		فعل مضارع		شخص
انجام بدهید.	إِفْعَلُوا	انجام می‌دهید.	تَفْعَلُونَ	
	إِفْعَلْنَ		تَفْعَلْنَ	
	إِفْعَلَا		تَفْعَلَانِ	

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ: رحم می‌کنید	ارْحَمُوا: رحم کنید	تَضَعْدَنَ: بالا می‌آید	اضْعَدْنَ: بالا بیاید
تَنْزِلَانِ: پایین می‌آید	انزِلَا: پایین بیاید	تَقْبَلَانِ: می‌پذیرید	اقْبَلَا: بپذیرید
تَشْكُرُونَ: تشکر می‌کنید	اشْكُرُوا: تشکر کنید	تَرْسُمَنَ: نقاشی می‌کنید	ارْسُمْنَ: نقاشی کنید

ترجمه کنید. 

.....	ارْسُمِي صَوْرَةَ الشَّهِيدِ.	اقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.
.....	اسْجُدَا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	اغْسِلَا أَيْدِيكُمَا قَبْلَ الْعَدَاءِ.
.....	اهْرَبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوْءِ.	ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● توضيحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. بلادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيا.
٢. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالِاسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ.
٣. شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَ لَا لَوْنَ لَهُ.
٤. يُدْرَسُ فِيهَا الْأُسْتَاذُ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلُابُ.
٥. الْأَذْيَانُ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا.
٦. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الرُّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ أُخْرِجُنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.



يا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ أُخْرِجُوا مِنَ الصَّفِّ.



يا صَدِيقَتَانِ، اُكْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالَيْنِ.



يا صَدِيقَانِ، اِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْضَدَةَ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● آيات شريفة زیر را ترجمه سپس فعلهای امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ القصص ۱۶

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿اِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ طه ۴۳

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۱۸

۴. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾ البقرة ۳۴

۵. ﴿... اِعْمَلُوا صَالِحاً اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون ۵۱

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يا طُلَّابُ، اُنظُرُوا إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ. يا طالباتُ، اُنظُرْنَ إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ.
يا طالبانِ، اِلْبَسَا مَلابِسَ مُناسِبَةً. يا طالباتانِ، اِلْبَسَا مَلابِسَ مُناسِبَةً.

التَّمْرِينُ الْخامِسُ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- | | |
|-----------------------|---|
| ○ ۱. قاطِعُ الرَّجِمِ | ○ مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. |
| ○ ۲. الْمُواصَلَةُ | ○ هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِزِيَارَةِ أَقْرَبائِهِ. |
| ○ ۳. الْجَامِعَةُ | ○ الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. |
| ○ ۴. الْحَطْبُ | ○ أَخْشَابٌ مُناسِبَةٌ لِلاَحْتِرَاقِ. |
| ○ ۵. الدُّخَانُ | ○ حَلُّ الصُّعَابِ وَ الْمَشْكِلَاتِ. |
| ○ ۶. الْفَرَجُ | |

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ.

۲. الْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ.

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ^۱.

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ^۲.



جِدَارُ الصَّيْنِ

۱. الْحَدِيثُ الرَّابِعُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بَاقِي الْأَحَادِيثِ مِنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۲. خَيْرُ الشَّرِّينِ : بَهْتَرِينَ از میان دو شر

تحقیق

- با استفاده از نرم‌افزار قرآن سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم (١٥ كلمة جديد)

(مضارع : يَظْنُ)

كَبَّرَ : بزرگسالی

كَلَبَ : سگ

مَصِيرَ : سرنوشت

نَجَّاحَ : موفقیت

نَقَصَ : کم شد

(مضارع : يَنْقُصُ)

حَاوَلَ : تلاش کرد

(مضارع : يُحَاوِلُ)

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ : باغ وحش

سَكَتَ : ساکت شد

(مضارع : يَسْكُتُ)

شَجَّعَ عَلَيَّ : تشویق کرد به

(مضارع : يُشَجِّعُ)

ظَنَّ : گمان کرد

أَسَدَ : شیر

تَعَلَّبَ : روباه

ثَقِيلُ السَّمْعِ : کم شنوا

«ثَقِيلُ : سنگین + سَمْعُ :

شنوایی»

جَدَّ : کوشید (مضارع : يَجِدُّ)

جَرَّحَ : زخمی کرد

(مضارع : يُجَرِّحُ)

الرَّجَاءُ

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: الْأَسَدُ وَ التَّعَلَّبُ وَ الذَّبُّ وَ الْعَزَالَةُ وَ الْكَلْبُ وَ ...



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيْعِهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَقَعَ تَعَلَّبٌ وَ عَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةِ بَغْتَةً؛ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهِنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتِ الصَّيَّادِينَ.

حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةَ لِلنَّجَاةِ.

بَعَدَ دَقَائِقٍ؛ قَالَتْ حَمَامَةٌ لِلثَّعْلَبِ: «لَا فَايِدَةَ لِلْمَحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ.

لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»

وَ قَالَ كَلْبٌ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ.

لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»



حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةَ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَايِدَةٍ.

يَبْسَتْ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟! اِقْبَلْ مَصِيرَكَ.»

لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدْهُدٌ وَ قَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ

هَذَا الثَّعْلَبَ؛ هُوَ تَقِيْلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»

قَالَتْ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»

قَالَتْ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أُخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ. لَا تَيَأْسِي.»

حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَّجَتْ وَ فَرِحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَجَدَ.





با توجه به متن درس گزینۀ درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱. شَجَعَتِ الْحَيَوَانَاتُ الثُّعْلَبَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنَ الْحُفْرَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. قَبِلَتِ الْغَزَالَةُ مَصِيرَهَا فِي الْبِدَايَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. مَا سَتَرَ الصِّيَادُونَ الْحُفْرَةَ فِي الْغَابَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. كَانَتِ الْحُفْرَةُ قَلِيلَةَ الْعُمُقِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. أَرْبَعَةُ صِيَادِينَ كَانُوا فِي الْغَابَةِ. |

فَعْلُ النَّهْيِ (۱) (يا وُلْدُ، لا تَفْعَلْ) ، (يا بِنْتُ، لا تَفْعَلِي)




لا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.



لا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.

بدانیم

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید. به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
انجام نده.	لا تَفْعَلْ	انجام می‌دهی.	تَفْعَلُ	
	لا تَفْعَلِي		تَفْعَلِينَ	

فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی
لا تَكْذِبِي: دروغ نگو	لا تَكْذِبِينَ: دروغ نمی‌گویی	لا تَحْزَنْ: غمگین نشو	لا تَحْزَنْ: غمگین نمی‌شوی

ترجمه کنید.

.....	لا تَيَأْسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
.....	لا تَشْرَبِي شايًا حارًا.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● توضيحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَ يُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً.
٢. السَّعْيُ وَ الاجْتِهَادُ وَ مُوَاصَلَةُ الْعَمَلِ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.
٣. حَيَوَانٌ يَحْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ.
٤. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.
٥. الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا.

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حَبِيبَتِي، لَا تَجْعَلِي حَقِيبَتَكَ هُنَا.

.....



يا حَبِيبِي، لَا تَجْعَلْ حَقِيبَتَكَ هُنَا.

.....

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● آيات و احاديث زير را ترجمه، سپس فعلهاى امر و نهى را معلوم كنيد^۱.

۱. إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ.

۲. هَلْ لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا؟

۳. هَلْ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؟

۴. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.

۱. الْجُمْلَةُ الْأُولَى وَ الرَّابِعَةُ حَدِيثَانِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْجُمْلَةُ الثَّانِيَةُ وَ الثَّلَاثَةُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ. التَّوْبَةُ ٤٠

و الأعراف ٤٧

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● ترجمه کنید.

۱. إِزْرَعْ صِدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عَدَاوَةً.
۲. أُسْكُتِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَصْرُخِي.
۳. أُصَدِّقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.
۴. إِبْسٌ قَمِيصًا أبيضَ فِي اللَّيْلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبَسْ أَسْوَدًا.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینهها «ناهماهنگ» است؟

۱. حَدَاد □ مِصْبَاح □ حَلَوَانِي □ شُرْطِي □
۲. جَامِعَةٌ □ مَلْعَب □ فَكِهَةٌ □ مَكْتَبَةٌ □
۳. حَطَب □ نَار □ دُخَان □ نَجَاح □
۴. شُهُور □ غَابَةٌ □ أَيَّام □ لِيَالِي □
۵. رِيح □ مَطَر □ سَحَاب □ أَخَذ □
۶. رُمَان □ عِنَب □ ثُقَاح □ جَد □
۷. كِبَر □ تَحْت □ فَوْق □ أَمَام □
۸. أَرْزَق □ أَحْمَر □ إِفْتَح □ أَخْضَر □

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

• زير هر تصوير نام آن را به عربى بنويسيد.

الْحَمَامَةُ / الذَّبُّبُ / الزَّرَافَةُ / الْعُصْفُورُ / السَّمَكَةُ / الْفَيْلُ / الْفَرَسُ / الْأَسَدُ / الثَّعْلَبُ



..... حَيَّوانٌ مَكَّارٌ.



..... حَيَّوانٌ طَوِيلٌ.



..... فِي النَّهْرِ.



..... سُلْطَانُ الْغَابَةِ.



..... حَيَّوانٌ كَبِيرٌ.



..... طَائِرٌ جَمِيلٌ.



..... حَيَّوانٌ نَجِيبٌ.



..... حَيَّوانٌ حَرِيصٌ.



..... طَائِرٌ صَغِيرٌ.

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

يُحَاوِلُ / مُوَاصَلَةٌ / اِنْحَثِيَ / اِقْتَرَبَ / شَجَعْنَا / نَزَلُوا / مُهْمَةٌ / كَلْبٌ / ذَهَابٌ /

اِثْنَانٌ / مِهْنَةٌ / جَاهِلٌ / حَزِينٌ / إِذَا / أَسْنَانٌ / صَالِحٌ

رمز ↓

					سگ (۱)
					تلاش می‌کند (۲)
					نزدیک شد (۳)
					جست و جو کن (۴)
					غمگین (۵)
					دو (۶)
					هرگاه (۷)
					شغل (۸)
					ادامه دادن (۹)
					درستکار (۱۰)
					پایین آمدند (۱۱)
					نادان (۱۲)
					مأموریت (۱۳)
					تشویق کردیم (۱۴)
					دندان‌ها (۱۵)
					رفتن (۱۶)

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

قال أمير المؤمنين عليّ عليه السلام عن العلم:

١. « قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ. »

٢. « مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. »

٣. « كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ. »

٤. « جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. »

٥. « أَيُّهَا النَّاسُ، إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ. »

تحقیق

● دو نمونه کتاب معروف در ادبیات فارسی از زبان حیوانات مثال بزنید.



الدَّرْسُ السَّادِسُ



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم (٢٢ كلمة جديد)

(مضارع : يُعَيِّرُ)
 كَثْرَةٌ : فراوانى
 لَامٌ : ملامت كرد (مضارع: يَلُومُ)
 مِثَالِي : نمونه
 مُزْدَحِمٌ : شلوغ
 مِلْفٌ : پرونده
 نَامٌ : خوابيد
 (مضارع: يَنَامُ/ مترادف: رَقَدَ)
 نَشِيطٌ : فَعَال

رَأْسٌ : سر
 رَاسِبٌ : مردود
 رَاقِدٌ : بسترى
 رَائِحَةٌ : بو
 زُجَاجَةٌ عِطْرٌ : شيشهٔ عطر
 صَوْمٌ : روزه
 شَرَابٌ : نوشيدنى، شربت
 عَطَّرَ : عطر زد (مضارع: يُعَطِّرُ)
 غَيَّرَ : تغيير داد

اسْتَلَمَ : دريافت كرد
 (مضارع: يَسْتَلِمُ)
 تَرَكَ : ترك كرد (مضارع: يَتْرُكُ)
 تَعَلَّمَ : ياد گرفت
 (مضارع: يَتَعَلَّمُ)
 حَفَلَةُ زَوَاجٍ : جشن عروسى
 حَفَلَةُ مِيلَادٍ : جشن تولد
 دَفَعَ : دور كرد، دفع كرد،
 پرداخت (مضارع: يَدْفَعُ)

تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

ابْتَدَأَ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتِ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتِ الْمُدْرَسَةُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.» هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مِلْفِهَا لِإِطْلَاعِ عَلَي مَاضِيهَا.

فِي مِلْفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.

وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.

وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ: هِيَ فَاقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.
وَ فِي مِلْفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَتِ الدَّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمُدْرَسَةَ وَ تَنَامُ فِي الصَّفِّ.
الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.

بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمُدْرَسَتِهَا
هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً عِطْرٍ أُمُّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعِطْرِ،



فَضَحَكَ التَّلَامِيذُ؛ فَقَالَتِ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكْنَ».
الْمُدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعِطْرِ.

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا وَ قَالَتْ: «رَائِحَتُكَ مِثْلُ رَائِحَةِ أُمِّي».
شَجَعَتِ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ؛ فَصَارَتْ تَلْمِيذَةً مِثَالِيَّةً وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ؛ اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ
رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوبَةً فِيهَا: «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ شَاهَدْتُهَا فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيَّرْتِ
مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ.» وَ بَعْدَ مُدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنَ الطَّبِيبَةِ
سَارَةَ؛ طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعَرُوسِ.
عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ: شُكْرًا جَزِيلًا يَا سَيِّدَتِي؛
أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي. فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ:

«لَا يَا بِنْتِي؛ أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أُدْرَسُ.»

با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱. أَيْنَ جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟
 عَلَى الْيَسَارِ عَلَى الْيَمِينِ
۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةٌ الْعِطْرِ؟
 لِوَالِدِ سَارَةَ لِوَالِدَةِ سَارَةَ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟
 فِي الرَّابِعِ فِي السَّادِسِ
۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟
 صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ زُجَاجَةٌ عِطْرٍ
۵. هَلْ كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ؟ نَعَمْ لَا

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) (يا أولادُ، لا تَفْعَلُوا)، (يا بناتُ، لا تَفْعَلْنَ)

(يا ولدانِ، لا تَفْعَلَا)، (يا بنتانِ، لا تَفْعَلَا)



يا زميلاتي، رجاءً، لا تنزلن، اصعدن.



يا زملائي، رجاءً، لا تنزلوا، اصعدوا.



يا زميلتان، رجاءً، لا تنزلا، اصعدا.



يا زميلان، رجاءً، لا تنزلا، اصعدا.

بدانیم

در این درس نیز با فعل نهی آشنا می شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
انجام ندهید.	لا تَفْعَلُوا	انجام می‌دهید.	تَفْعَلُونَ	
	لا تَفْعَلْنَ		تَفْعَلْنَ	
	لا تَفْعَلَا		تَفْعَلَانِ	

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

لا تَرْجِعْ: بر نمی‌گردد ← لا تَرْجِعْ: بر نگردد	لا تَرْجِعِينَ: بر نمی‌گردد ← لا تَرْجِعِي: بر نگردد
لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید ← لا تَنْزِلَا: پایین نیابید	
لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید ← لا تَذْهَبُوا: نروید	لا تَتْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ← لا تَتْرُكْنَ: رها نکنید

ترجمه کنید.

.....	لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.
.....	يا أَخَوَاتِي، لا تَظْهَرْنَ بِدُونِ حِجَابٍ.
	يا أَخِي، لا تَضْحَكْ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ.
	لا تَخْرُجِي وَحَدَكِ؛ أَخْرُجِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱. الإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.
.....

۲. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ العَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا.
.....

۳. صِفَةٌ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ.
.....

۴. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الإِمْتِحَانَاتِ.
.....

۵. إِجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرَحٍ.
.....

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسَنَّ هُنَاكَ؛ إِجْلِسَنَّ هُنَا.
.....



لا تَكْشِفُوا عِيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.
.....



لَا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.



لَا تَذْهَبُ مِنْ هُنَا.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● آيات زير را ترجمه، سپس فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. ﴿أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾ الأعراف ۱۵۶

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف ۴۷

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَمَ وَ حَوَاءَ : ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ الأعراف ۱۹

۴. ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾ المُرْمَل ۱۰

۵. ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾ النَّحْل ۱۱۴

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● فعل‌های زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

سَوْفَ يَسْكُتُ / أَتْرُكُ / لَا يَدْرُسُ / ظَهَرَ / تَعْرِيفِنَ / لَا تَقْطَعُ / مَا طَبَّخَتْ

يَنْفَعُ / لَا يَصْرُخُ / لَا تَحْسَبُ / قَدَفْتُمْ / سَتَحْفَظُونَ / مَا رَسَمْنَا / اشْرَبَ

.....	ماضی مثبت
.....	ماضی منفی
.....	مضارع مثبت
.....	مضارع منفی
.....	امر
.....	نهی
.....	مستقبل

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید!

۱. « لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ...
وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ. »

۲. « عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ. »

۳. « أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. »

۴. « لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. »

۵. « مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ. »

۱. الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَالْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْحَدِيثُ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُ وَ الرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲. در اینجا «إِنَّ» یعنی «زیرا»

۳. الْجَسَدُ: بدن

تحقیق

● آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



مُتَمَكِّنَةٌ لِإَدِيَسُونِ

الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم (٢٩ كلمة جديد)

(مضارع : يَطْبَعُ)
طَرَدَ : با تندی راند
(مضارع : يَطْرُدُ)
طُفُولَةٌ : کودکی
عَرَبَةٌ : واگن، گاری
كَهْرَبَائِيٌّ : برقی
كِيمِيَاوِيٌّ : شیمیایی
مُسَجَّلٌ : دستگاه ضبط
مَطْبَعَةٌ : چاپخانه
« جمع : مَطَابِعُ »
نَفَقَاتٌ : هزینه ها
« مفرد : نَفَقَةٌ »
نَوْمٌ : خواب
وَضَعٌ : گذاشت « مترادف : جَعَلَ »

حَرِيْقٌ : آتش سوزی
دَرَسٌ : درس خواند
(مضارع : يَدْرُسُ)
دَفْعٌ : پرداختن
رَئِيسِيٌّ : اصلی
سَاعَدٌ : کمک کرد
(مضارع : يُسَاعِدُ)
شَرِكَةٌ : شرکت
صِنَاعَةٌ : صنعت
صِنَاعِيَّةٌ : صنعتی
صُورٌ مُتَحَرِّكَةٌ : عکس‌های
متحرک
طَاقَةٌ كَهْرَبَائِيَّةٌ : نیروی برق
طَبَعَ : چاپ کرد

آلَةٌ : دستگاه « جمع : آلَاتُ »
آلَةٌ طِبَاعَةٌ : دستگاه چاپ
أَحْسَنَ عَمَلًا : کاری را نیکو
انجام داد
اِخْتَرَعَ : اختراع کرد
(مضارع : يَخْتَرِعُ)
أَدَوَاتٌ : ابزارها « مفرد : أَدَاةٌ »
أَضَاعَ : تباه کرد
(مضارع : يُضِيعُ)
أَنْقَذَ : نجات داد
(مضارع : يُنْقِذُ)
بِضَاعَةٌ : کالا « جمع : بَضَائِعُ »
بَطَارِيَّةٌ : باتری
تَمَثَّلَ : تندیس « جمع : تَمَثَائِلُ »

ثَمَرَةُ الْجِدِّ

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ؛
فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ قَالَ عَنْهُ:
« إِنَّهُ تِلْمِيذٌ أَحْمَقٌ. » فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ
مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ
سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ
بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.



إِدِيسُونُ أَحَبَّ الكِيمِياءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا
فِي مَنزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرَتْ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ المَوادِّ
الكِيمِياويَّةِ وَ الأَدَوَاتِ العِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحاولاتٍ
كثيرةٍ صارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ القِطاراتِ وَ قَدَرَتْ عَلَى

شِرَاءِ آلَةِ طِباعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ البُضائعِ وَ فِي السَّنَةِ الخامِسةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ
كَتَبَ صَحيفَةً أُسبوعيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي القِطارِ. فِي أَحَدِ الأَيامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجاجاتِ
المَوادِّ الكِيمِياويَّةِ فِي المَطبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ حَرِيقُ فَطَرَدَهُ رَئيسُ القِطارِ وَ عِنْدما أُنْقَذَ



طِفلاً مِنْ تَحْتِ القِطارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئيساً فِي
شَرِكتِهِ.

كانَ إِدِيسُونُ مَشغولاً فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلاً وَ نهاراً.
هُوَ أوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلابْحاثِ الصَّناعِيَّةِ.
اخْتَرَعَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِراعٍ مُهمٍّ؛
مِنها الطَّاقَةُ الكَهْرَبائيَّةُ وَ المِصباحُ الكَهْرَبائيُّ
وَ مُسجَلُ المَوسِيقى وَ الصُّورُ المَتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ
السِّينما وَ بَطاريَّةُ السَّيارَةِ.
وَ الطَّاقَةُ الكَهْرَبائيَّةُ فِي هَذَا العَصْرِ سَبَبٌ رَئيسيُّ
لِتَقَدُّمِ الصَّناعاتِ الجَدِيدَةِ.

الكهف ٣٠

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ١. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُونِ سَبْعُونَ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٢. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٣. أَحَبَّ إِدِيسُونُ عِلْمَ الكِيمِيَاءِ فِي صَغَرِهِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٤. سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُونِ وَلَدَهَا فِي الدَّرَاسَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ٥. وَضَعَ إِدِيسُونُ آلَةَ الطَّبَّاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ. |

ترکیب وصفی ◀ (موصوف و صفت) و ترکیب اضافی ▶ (مضاف و مضاف الیه)

(موصوف و صفت)



آثَارُ تَحْتِ جَمَشِيدٍ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسَ

هَذَا أَنْثَرُ تَارِيخِيٌّ فِي مَحَافِظَةِ كَبِيرَةٍ.



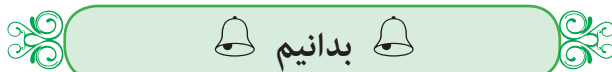
قَلْعَةُ فَلَكِ الْأَفْلَاقِ فِي مَحَافِظَةِ أَرِسْتَانَ

هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مَحَافِظَةِ جَمِيلَةٍ.

(مضاف و مضافُ اليه)



تَمَائِلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَقَرِّ مَنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ^١. تَمَثَالُ الْمُتَنَبِّي^٢، فِي مَدِينَةِ بَغدَادِ.



موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که صفت نامیده می‌شود.
مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضافُ اليه) نسبت داده می‌شود؛
مثال:

مضاف و مضافُ اليه		موصوف و صفت	
آزمایشگاهِ مدرسه	مُخْتَبِرُ الْمَدْرَسَةِ	آزمایشگاهی کوچک	مُخْتَبِرٌ صَغِيرٌ
صنعتِ کاغذ	صِنَاعَةُ الْوَرَقِ	صنعتِ جدید	الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ
دانشجویانِ دانشگاه	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ

١. تندیس دانشمندان ایرانی در مقرّ سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش

٢. شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس متولد کوفه

فَنِّ تَرْجَمِه

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۱:

۱. سَاعَدَتْ أُخْتِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتَنَا.

خواهرِ بزرگم به مادر بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ وَاجِبَاتِهِ.

برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

جمله‌های زیر را ترجمه کنید. «به ترجمه ترکیب داده شده دقت کنید.»

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي.

۲. شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَائَةِ الْمُسَابَقَةِ.

۳. قَسَمْتُ مَرْزَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً.

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

۱. در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌های مانند کتاب استفاده کرد.

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادروستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. الشَّرِكَةُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.

۲. اَلْقِطَارُ مَكَانٌ بَيْعِ البَضَائِعِ مِثْلُ المَلَابِسِ وَ اَلْفَوَاكِهِ.

۳. اَلْمَطْبَعَةُ مَخْزَنٌ لِحِفْظِ المَوَادِّ الغِذَائِيَّةِ كَالخُبْزِ.

۴. اَلطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ اَلأُولَى مِنَ حَيَاةِ اَلإِنْسَانِ.

۵. اَلصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را ترجمه کنید.



اَلجِسْرُ اَلأَبْيَضُ، عَلى نَهْرِ كارون.



مَرَقَدُ العَالِمِ اَلإِيرَانِيِّ اَبْنِ سينا فِي مَدِينَةِ همدان.



جُنُودُنَا اَلأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مَوْمِنُونَ.



مَسْجِدُ اَلإِمَامِ، اَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مَحَافِظَةِ أَصفهان.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. =، ≠

صداقة.....	عداوة	وَصَّعَ.....	جَعَلَ	لَيْل.....	نَهَار	عاقِل.....	مَجْنُون
راسِب.....	ناجِح	أعداء.....	أَصْدِقَاء	صَعْب.....	سَهْل	جُلوس.....	قيام
طویل.....	قَصير	نام.....	رَقَدَ	قَبیح.....	جَمیل	جاء.....	أتى

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أَنْقَذَ / رَئِيسِي / اِحْتَرَقَ / طَبَعَ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةِ / بَضَائِعِ

۱. كَانَتْ الْجَامِعَةِ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.

۲. اِنْكَسَرَتْ اِحْدَى الرَّجُلَاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ فَ..... كُلُّ الْأَشْيَاءِ.

۳. يَجْلِبُ التَّاجِرُ جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.

۴. يَبْدَأُ وَالِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ..... دَائِمًا.

۵. اِدِيسُونِ طِفْلاً مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبْتُ: نرفت	لا يَدُهَبُ:	سَيَدُهَبُ:	اِذْهَبْ:	لا تَدُهَبْ:
ما شَرِبُوا: نوشیدند	لا يَشْرَبُونَ:	سَيَشْرَبُونَ:	اِشْرَبُوا:	لا تَشْرَبُوا:
ما غَسَلَ: نشست	لا يَغْسِلُ:	سَوْفَ يَغْسِلُ:	اغْسِلْ:	لا تَغْسِلْ:

التَّمرينُ السَّادِسُ

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

مَعجون / أَبْحاث / طُفولَة / صِناعَة / نَفَقات / أَنهار / دَفْع / مَسْجَلات /
مَطابِع / مُزْدِحِم / آلات / تَمائيل / شُهور / كُرسِي / أَنفُسُهُم / اِبْتَدَأَ

رمز ↓

					۱	۱. کودکی
					۲	۲. هزینها
					۳	۳. خمیر
					۴	۴. رودخانهها
					۵	۵. پژوهشها
					۶	۶. شروع شد
					۷	۷. صندلی
					۸	۸. ضبط صوتها
					۹	۹. ماهها
					۱۰	۱۰. چاپخانهها
					۱۱	۱۱. شلوغ
					۱۲	۱۲. تندیسها
					۱۳	۱۳. ابزارها
					۱۴	۱۴. صنعت
					۱۵	۱۵. پرداختن
					۱۶	۱۶. خودشان

قالَ أميرُ المؤمنينَ عليٌّ عليه السلام :

رمز :

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. « عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. »

۲. « جَلِيسُ السَّوِّءِ شَيْطَانٌ. »

۳. « الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الآخِرَةِ. »

۴. « الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ. »

۵. « النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ. »

تحقیق

● نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی آمده است؟

● نام کدام یک از آنها در قرآن آمده است؟

۱. الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم (١٦ كلمة جديد)

لا بَأْسَ : اشكالى ندارد

لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ : وظیفه

بود؛ تشکر لازم نیست

مُتَحَف : موزه

مُكْرَم : گرمی داشته شده

نُقُود : پول، پولها

دلیل : راهنما

رَكِبَ : سوار شد

(مضارع : يَرْكَبُ)

سَيَّارَةُ الْأُجْرَةِ : تاکسی

كَثُرَ : زیاد شد

(مضارع : يَكْثُرُ)

كُنْتُ أَشْتَغِلُ : کار می کردم

إِدْخَال : داخل کردن

إِشْتَغَلَ : کار کرد

(مضارع : يَشْتَغِلُ)

بُنِيَ : چاه

تَعَالَى : بیا

تَفَضَّلَ : بفرما

ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ : سی

حِوَارٌ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ

- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

- عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. اِرْكَبُوا.

- تَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفٍ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.

- أَرْبَعِينَ رِيَالًا.

- كَمْ رِيَالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟

- عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيَالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ

- الْأُجْرَةِ غَالِيَةً. نَحْنُ ثَلَاثَةٌ أَشْخَاصٍ.

رِيَالَاتٍ.



- نَعَمْ. لا بَأْسَ. يا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُونَ؟

- أَنَا بَاكِسْتَانِيٌّ وَ أَشْتَغِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي

كُنْتُ أَشْتَغِلُ فِي الْمَرْعَةِ.

- لا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا عِنْدِي فُرْصَةٌ.

- لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ.

- الْعَاشِرَةَ تَمَامًا.

- لا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلًا.

جَوَارٌ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

- الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

- الْعَمُودُ الْخَشْبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.

- بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛

آثَارُ بَيْتِ زَمَزَمَ؛ صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ

الْبَقِيْعِ؛ وَ آثَارٌ جَمِيْلَةٌ أُخْرَى.

- لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.

- هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ؟

- نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟

- أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَّ حَتَّى الْآنَ؟

- لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟!

- عَفْوًا. كَمْ السَّاعَةُ؟

- تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ نَرْجِعُ مَعًا؛

هَلْ تَقْبَلُ؟

- مَاذَا فِي هَذَا الْمُتَحَفِّ؟

- مَا ذَلِكَ الْعَمُودُ؟

- وَ مَا هَذِهِ الْأَثَارُ؟

- أَشْكُرُكَ عَلَيَّ تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةَ.



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱. أَلزَّوَارُ الْإِيرَانِيُونَ رَكَبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. كَانَ الزَّوَارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. كَانَ السَّائِقُ يَسْتَعِجِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظُّهْرِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزَّوَارِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. فِي الْمَتْحَفِ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ. |

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی (كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می‌دادند)

ماضی ساده: نشان دهنده کاری است که در گذشته انجام و تمام شده است؛

مثال: نوشت، گفت.

ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می‌نوشت، می‌گفت.



الْبَيْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَاتِهِمَا.

الطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ!

۱. در ارزشیابی، سؤالی که حرف (الف) در فعل (كانَ) حذف می‌شود؛ مانند: «كُنَّ يَسْمَعْنَ» طرح نشود.

فَنّ ترجمه

۱. فعل «**كَانَ**» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «**ماضی استمراری**» در فارسی می‌شود؛ مثال:

﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ النحل ۳۳
و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می‌کردند.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ...﴾ المائة ۷۵

.....

۲. ﴿... كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ المائة ۶۳

.....

۳. ﴿... كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الأنعام ۱۲۷

.....

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ...﴾ البقرة ۷۵

.....

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

.....

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

● درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَسْتَعْمَلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِدِ.
.....
۲. الْبِئْرُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.
.....
۳. فِي الْمُتَحَفِ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشُّرَاءِ.
.....
۴. الْبَطَّارِيَةُ مَخْزَنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ.
.....
۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.
.....

التَّمْرينُ الثَّانِي

● بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ وَاقِفُونَ. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.
.....

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

يَرْكَبُونَ / يَشْتَغِلُ / نُقُودٌ / تَعَالَ / الْبِئْرُ / تَفَضَّلُ / دَلِيلٌ

۱. أَيْنَ أَخُوكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مَنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

۲. الدَّرْهَمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ اللَّيْرَةُ أَسْمَاءٌ

۳. حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.

۴. اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ لِلزَّرَاعَةِ.

۵. كَانَ التَّلَامِيذُ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شنید	يَسْمَعُ	می شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می شنید
أَنْقَدَ	نجات داد	يُنْقِدُ	كَانَ يُنْقِدُ
اِسْتَعْلَا	کار کردند	يَشْتَغِلَانِ	كَانَا يَشْتَغِلَانِ
حَاوَلَا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ	كَانُوا يُحَاوِلُونَ
سَأَلْنَا	پرسیدند	تَسْأَلَانِ	كَانَتَا تَسْأَلَانِ
سَاعَدَا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ	كَانُوا يُسَاعِدُونَ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- | | |
|---|---------------------|
| ○ طاقَةٌ تَشْتَعِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ. | ○ ۱. الْكَهْرَبَاءُ |
| ○ هُوَ الَّذِي لَا يَطْبُقُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْبُقُ الشَّرَّ. | ○ ۲. الْمَطْرُ |
| ○ قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ. | ○ ۳. الرَّيْسِيُّ |
| ○ نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ. | ○ ۴. الْعَدُوُّ |
| ○ مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ. | ○ ۵. الْفَلَّاحُ |
| | ○ ۶. النَّارُ |

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● زیر هر تصویر^۱ نام آن را به عربی بنویسید.

«شَلالاتُ شوشتر / عِلْمُ إِيْرَانِ / جِسْرُ جَاوْمِيْشَانِ / سُوْقُ كَرْمَانِ / غَابَةُ مَدِيْنَةِ مِيْنُوْدَشْتِ / عَيْنُ بِيْسْتُوْنِ»



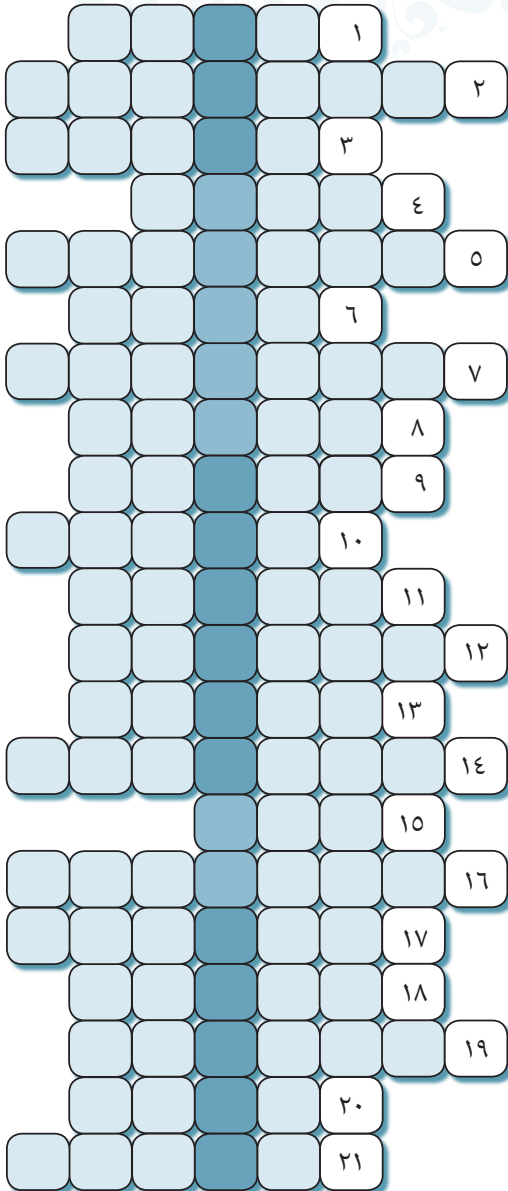
۱. تصویرهای بالا به ترتیب از استان‌های: ۱. ایلام و لرستان ۲. کرمان ۳. خوزستان ۴. کرمانشاه ۵. گلستان است.

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

کیمیایی / آدوات / مُسَلِّم / نُقود / مُجَالَسَات / مُحَاوَلَات / مِلْف / أَزْهَار / إِدْخَال / عَلِمُوا / لَا بَأْسَ /

مَمَرٌ مُشَاهة / تَعَال / مُنْتَظَمَات / أَعْدَاء / زِرَاعَة / تَفَضَّل / تَلْمِيذَات / ثَلَاثُونَ / يَأْتِيَتْ / دِرَاسِيَّة

↓ رمز



- ١) مسلمان
- ٢) شیمیایی
- ٣) ابزارها
- ٤) بیا
- ٥) همنشینی‌ها
- ٦) پول
- ٧) تلاش‌ها
- ٨) دانستند
- ٩) داخل کردن
- ١٠) اشکالی ندارد
- ١١) دشمنان
- ١٢) سازمان‌ها
- ١٣) شکوفه‌ها
- ١٤) گذرگاه پیاده
- ١٥) پرونده
- ١٦) دانش‌آموزان (دختر)
- ١٧) سی
- ١٨) ای کاش
- ١٩) تحصیلی
- ٢٠) بفرما
- ٢١) کشاورزی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَمَزٌ

رمز: هـ

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

الأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ (محبوب ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. « أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ. »

۲. « أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي. »

۳. « أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. »

۴. « أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. »

۵. « أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ. »



تحقیق

● در یک صفحه کتاب درسی فارسی، زیر کلمات دارای ریشه عربی خط بکشید؛ سپس

همه کلمات آن را بشمارید و درصد کلمات عربی را معلوم کنید.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم (٢٩ كلمة جديد)

عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ : آبَمِيوَه
غَارَةٌ : حَمَلَه
غَارَاتُ لَيْلِيَّةٍ : حَمَلَاتُ شَبَانِه
قِشْرٌ : پُوسْت
قَلٌّ : كَم شَد (مضارع : يَقِلُّ)
لَيْمُونٌ : لَيْمُو
مُجَفَّفٌ : خَشِكٌ، خَشِكٌ شَدِه
مِشْمِشٌ : زَرْدَالُو
مُهْدِيٌّ : آرَامِ بَخْش
وَرَعٌ : پَارَسَائِي
يُوجَدُ : وَجُودٌ دَارِد

(مضارع : يَتَنَاوَلُ)
جَزْرٌ : هَوِيَج
حَرَكٌ : تَحْرِيكٌ كَرْد
(مضارع : يُحَرِّكُ)
حَلِيبٌ : شِير
خَطَأٌ : خَطَا «جمع : أخطاء /
خَطْوُهُ» : خَطَائِشُ
رَسْمٌ : نَقَاشِي كَرْدن
سَخَاءٌ (سَخَاوَةٌ) : بَخْشَنْدِگِي
سَمَاوِيٌّ : آسْمَانِي
طَارِحٌ : تَازِه
طَيَّارٌ : خَلْبَان

أَحْسَنٌ : بَهْتَرٌ، بَهْتَرِيْن
إِعْتَقَدَ : اِعْتِقَادٌ دَاشْت
(مضارع : يَعْتَقِدُ)
أَمْرَاءٌ : فَرْمَانْدِهَان «مفرد : أَمِير»
أَمَكَنَّ : اِمَكَانٌ دَاشْت
(مضارع : يُمْكِنُ)
إِنْتِبَاهٌ : تَوَجُّه
بَنَفْسَجِيٌّ : بَنْفَش
تَعَبٌ : خَسْتِگِي
تَعْوِيضٌ : جِبْرَانِ كَرْدن
تَلْوِينٌ : رَنْگِ آمِيزِي
تَنَاوَلَ : خُورِد

نُصُوصٌ حَوْلَ الصِّحَّةِ

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ : بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَطُّ. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: «هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

أَمَّا النُّورُ الْأَحْمَرُ فَتَنْشَعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعصابَ. فَقانونُ
المُرورِ يَسْتَحْدِمُهُ فِي الْأَمَكانِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِتِّبَاحِ كإِشاراتِ المُرورِ؛ أَمَّا عُرْفُ
النَّومِ فَالأَفْضَلُ فِيهَا اسْتِخدامُ الأَلوانِ المُهَدِّئَةِ للأَعصابِ كالألوانِ البَتِّفَسَجِيِّ.

فيتامين «إ» (A): مِنْ فَوَائِدِ فيتامين «إ» زِيادةُ وَزَنِ الأَطْفالِ وَ هُوَ مُفيدٌ لِلعَيْنِ وَ
كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الحَرْبِ العالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِداءِ العُغاراتِ

الليَّيَّةِ وَ هَذَا الفِيتامينُ مَوْجودٌ فِي

النَّبَّاتِ وَ الفَوَاكِهِ بِالألوانِ الأَصْفَرِ

كَالمِشْمِشِ وَ الجَزَرِ

وَ قِشْرِ البُرْتُقالِ.

فيتامين «سي» (C):

يُوجَدُ هَذَا الفِيتامينُ فِي الحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلِكِنَّهُ لا يوجَدُ فِي الحَلِيبِ المُجَفَّفِ وَ

الأَطْفالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحَدَهُ، فِي أَكثَرِ الأَوْقاتِ يَحْدُثُ لَهُمُ ضَعْفٌ فِي السَّاقِينِ. وَ

يُمْكِنُ تَعويضُ هَذَا النِّقصِ فِي التَّغذيةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللِّيمونِ أَوْ عَصِيرِ البُرْتُقالِ.



با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

درست نادرست

۱. كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَ فَيْتَامِينَ «أ»
قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ.
۲. يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ الضَّعْفِ فِي السَّاقَيْنِ فِي الْأَطْفَالِ بِتَنَاوُلِ الرُّزِّ.
۳. الْأَسْوَدُ أَفْضَلُ لَوْنٍ مُهْدِيٍّ لِلْأَعْصَابِ فِي عُرْفِ النَّوْمِ.
۴. لَا يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِالْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا.
۵. يَوْجَدُ فَيْتَامِينُ «سِي» فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ.



ساعت شماری (الْخَامِسَةُ ٥ - الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ ٥:١٥ - الْخَامِسَةُ إِلَّا رُبْعًا ٤:٤٥)

كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا.



التَّاسِعَةُ وَ الرَّبْعُ.



التَّاسِعَةُ تَمَامًا.

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید).

الْخَامِسَةُ تَمَاماً / الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّمَانِيَةُ وَالنِّصْفُ
 الْعَاشِرَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّلَاثَةُ إِلَّا رُبْعاً / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً
 الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / الثَّمَانِيَةُ إِلَّا رُبْعاً / الْعَاشِرَةُ تَمَاماً



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....

بدانيم

ساعت خوانی:

۱. ساعت کامل: **مثال:** الْوَاحِدَةُ تَمَاماً / الثَّانِيَةُ تَمَاماً /
۲. ساعت کامل به اضافه نيم و ربع: **مثال:** الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ /
۳. يك ربع مانده به ساعت کامل: **مثال:** السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً /

ترجمه كنيد.

- الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً: الْعَاشِرَةُ وَ الرَّبْعُ:
- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً: الْوَاحِدَةَ وَ النِّصْفُ:

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱. عِلَامَاتٌ لِلسَّائِقِ وَ الْعَابِرِ فِي الطَّرِيقِ:
۲. اَلْهُجُومُ بِالطَّائِرَةِ عَلَي الْعَدُوِّ فِي اللَّيْلِ:
۳. أَحْسَنُ صِفَةٍ لِلْحَلِيبِ:
۴. اِسْمٌ سَائِقِ الطَّائِرَةِ:
۵. مَاءُ الثَّمَرِ:

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

(أَخْضَرَ، أَحْمَرَ، أَزْرَقَ، أَبْيَضَ، أَصْفَرَ، أَسْوَدَ)



الْفَرَسُ الْ..... جَنَّبَ سَاحِلِ الْبَحْرِ.



هَذَا الْبُسْتَانُ الْ..... جَمِيلٌ.



الرُّمَانُ الْ..... فَاكِهَةٌ الْجَنَّةِ.



الطَّائِرُ الْ..... عَلَى خَشَبَةٍ.



التَّمْرُ الْ..... فَاكِهَةٌ مَقْوِيَةٌ.



فِي الْعِنَبِ الْ..... فِيتَامِينَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● با توجّه به تصویر پاسخ دهید.

في السَّاعَةِ السَّادِسَةِ مَسَاءً / في السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ

في السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ لَيْلًا / في السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ صَبَاحًا



مَتَى تَذْهَبْنَ إِلَى الْمُتَحَفِ؟



مَتَى تَتَنَاوَلُ عِشَاءَكَ؟



فرماندهان شهید دفاع مقدس

مَتَى تَذْهَبُونَ إِلَى سَاحَةِ الْحَرْبِ؟



مَتَى مَوْعِدُ أَذَانِ الظُّهْرِ؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

إِشْرَبُ / الْجَزَرَ / أَلْتَعَبُ / مُهَدِّئَةٌ / الْمِشْمِشُ / تَعْوِضُ / إِنْتِبَاهُ

۱. كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوبًا لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

۲. عَصِيرَ اللَّيْمُونِ وَ الْبُرْتُقَالِ لِصِحَّتِكَ.

۳. عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى النَّوْرِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِالْ.....

۴. إِنَّ..... مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعُيُونِ.

۵. ثَمَرٌ..... فِي بَدَايَةِ الصَّيْفِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- | | |
|---|-------------------|
| ○ قُدْرَةُ عَرَضٍ الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ. | ○ ۱. النَّهَارُ |
| ○ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. | ○ ۲. الْمَتْحَفُ |
| ○ لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ. | ○ ۳. التَّلْوِينُ |
| ○ صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ. | ○ ۴. الدَّلِيلُ |
| ○ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ. | ○ ۵. الطَّارِجُ |
| ○ إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ. | ○ ۶. الرَّسْمُ |
| | ○ ۷. الْأَزْرَقُ |

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

- | | | | |
|-------------------------|-----------------------|-------------------|-----------------------|
| إِسْتَلَمَ.....دَفَعَ | تَعَالَ.....إِذْهَبَ | حَرَبَ.....صُلِحَ | أَحْسَنَ.....أَفْضَلَ |
| إِشَارَات.....عَلَامَات | بَعْتَهُ.....فَجْأَةً | مَوْت.....حَيَاة | قَلَّ.....كَثُرَ |
| تَنَاوَلَ.....أَكَلَ | فُجِحَ.....حُسْن | سَتَرَ.....كَتَمَ | وَرَعَ.....تَقَوَى |

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید!

۱. الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ
وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ،
الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ
فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

۲. مَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثَرَ خَطُؤُهُ^۲، وَمَنْ كَثَرَ خَطُؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ^۳، وَمَنْ قَلَّ
حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

تحقیق

● در اینترنت جست و جو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی درباره خواص یکی از میوه‌ها بیابید.

۱. النَّصُّ الْأَوَّلُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ النَّصُّ الثَّانِي مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ع

۲. خَطُؤُهُ : خَطَابَش

۳. حَيَاؤُهُ : شَرْمِ او

الدَّرْسُ العَاشِرُ



الدَّرْسُ العَاشِرُ

(٩ كلمة جديد) الْمُعْجَم

الخَامِسَةَ عَشْرَةَ : پانزدهم
سَلَّمَ عَلَيَّ : سلام کرد به
(مضارع : يُسَلِّمُ)
عَزَلَ : برکنار کردن

أَمِينٌ : امانتدار
إِنْتَرِنْتُ : اینترنت
تَسْلِيمٌ : تحویل دادن
حَاسِبٌ : رایانه

أَرَادَ : خواست
(مضارع : يُرِيدُ)
إِسْتَرْجَعَ : پس گرفت
(مضارع : يَسْتَرْجِعُ)

الْأَمَانَةُ

أَرَادَ مُسَافِرٌ تَسْلِيمَ نُقُودِهِ إِلَى شَخِصٍ أَمِينٍ. فَذَهَبَ إِلَى قَاضِي بَلَدِهِ وَ قَالَ لَهُ: «إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نُقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً وَ سَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي.» فَقَالَ الْقَاضِي: «لَا بَأْسَ، اجْعَلْ نُقُودَكَ فِي ذَلِكَ الصُّنْدُوقِ.» فَوَضَعَ الرَّجُلُ نُقُودَهُ فِي الصُّنْدُوقِ.



وَ لَمَّا رَجَعَ مِنَ السَّفَرِ؛ ذَهَبَ عِنْدَ الْقَاضِي وَ طَلَبَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ، فَقَالَ الْقَاضِي:
«إِنِّي لَا أَعْرِفُكَ.»

حَزَنَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ إِلَى حَاكِمِ الْمَدِينَةِ وَ شَرَحَ لَهُ الْقِضِيَّةَ. فَقَالَ الْحَاكِمُ: «سَيَأْتِي

القاضي إِلَيَّ غَدًا؛ فَادْخُلْ عَلَيْنَا فِي الْمَجْلِسِ وَ اطْلُبْ أَمَانَتَكَ مِنْهُ.»
 وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِي عِنْدَمَا جَاءَ الْقَاضِي إِلَيَّ الْحَاكِمِ، قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ: «إِنِّي سَوْفَ
 أُسَافِرُ إِلَيَّ الْحَجِّ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ أُمُورِ الْبِلَادِ إِلَيْكَ لِأَنِّي مَا رَأَيْتُ مِنْكَ
 إِلَّا الْأَمَانَةَ.»

وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ دَخَلَ صَاحِبُ الْأَمَانَةِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمَا وَ قَالَ:
 «أَيُّهَا الْقَاضِي، إِنَّ لِي أَمَانَةً عِنْدَكَ. وَضَعْتُ نُقُودِي عِنْدَكَ.»

قَالَ الْقَاضِي: «هَذَا مِفْتَاحُ الصُّنْدُوقِ. اسْتَلِمْ نُقُودَكَ.»
 بَعْدَ يَوْمَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ وَ تَكَلَّمَ
 مَعَهُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضُوعِ. فَأَجَابَ الْحَاكِمُ:



«أَيُّهَا الْقَاضِي، مَا اسْتَرَجَعْنَا أَمَانَةَ ذَلِكَ الرَّجُلِ إِلَّا بَعْدَمَا أَعْطَيْنَاكَ كُلَّ الْبِلَادِ؛
 فَبِأَيِّ شَيْءٍ نَسْتَرَجِعُ الْبِلَادَ مِنْكَ؟!» ثُمَّ أَمَرَ بِعِزْلِهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ
 انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.

✍ با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱. كَانَ الْقَاضِي يَكْذِبُ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. أَمَرَ الْحَاكِمُ بِعَزْلِ الْقَاضِي. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. وَضَعَ الْمُسَافِرُ نُقُودَهُ عِنْدَ الْحَاكِمِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. قَدَّرَ الْحَاكِمُ عَلَى اسْتِرْجَاعِ الْأَمَانَةِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ. |

✍ التَّمَارِينُ الْعَامَّةُ ✍

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

- | | |
|---|--|
| عاقبت، جوینده یابنده بـود. | عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. |
| نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار. | الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. |
| چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی. | أَسْتُرْ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذَهَبَكَ. |
| عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل. | مَنْ حَفَرَ بئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا. |
| تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بـود از مار بد | الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. |
| دشمن دانا که غم جان بـود بهتر از آن دوست که نادان بـود. | مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ، وَجَدَ. |
| در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و آرز دهب وز مذهب | لِكُلِّ جَدِيدٍ لَدَّةٌ. |

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● ضرب المثلهاى زير را ترجمه كنيد.

١. عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ.

٢. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

٣. مَنْ طَلَبَ أَخًا^١ بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ.

٤. هَذَا الْفَرَسُ وَهَذَا الْمَيْدَانُ.

٥. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

١. (السَّحَابُ) □ الْمَطَرُ □ الصَّحِيفَةُ □ الصُّورَةُ □ الْعَرَبَةُ □

٢. (حَفْلَةُ الزَّوْاجِ) □ الرَّاقِدُ □ الْأَبْحَاثُ □ الْعَرُوسُ □ الصَّوْمُ □

٣. (عَصَفَتْ) □ الْأَسَدُ □ الرَّاسِبُ □ الْجُسُورُ □ الرِّيَّاحُ □

٤. (الْكَهْرَبَاءُ) □ النَّبَاتُ □ الْبَطَّارِيَّةُ □ الْعَضْبَانُ □ الرُّجَاجَةُ □

٥. (الدُّخَانُ) □ الطَّرِيقُ □ الْعَمِيقُ □ الْحَرِيقُ □ الْفَرِيقُ □

١. أَخ: برادر، دوست

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

اجْعَلْ / التَّقَاعُدُ / فَرِيضَةٌ / تَمَوْتُ / الْأُمَّهَاتِ / الْمَمَرَّ / شَقَاوَةٌ / أَنْفَعُهُمْ

۱. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ غَدًا.

۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.

۳. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ؛ فَ..... الْعَفْوُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

۴. أَظْلَبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ

۵. أَفْضَلُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۶. أَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ^۱.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی

..... ۴ ۳	۲. اِثْنَانِ	۱. وَاحِدٍ
..... ۸. ثَمَانِيَةٌ ۷. سَبْعَةٌ ۶ ۵
..... ۱۲ ۱۱. أَحَدَ عَشَرَ ۱۰ ۹. تِسْعَةٌ

عددهای ترتیبی

..... ۴. ال ۳. الثَّالِثُ ۲. ال ۱. الْأَوَّلُ
..... ۸. الثَّامِنُ ۷. ال ۶. السَّادِسُ ۵. ال
..... ۱۲. ال ۱۱. الْحَادِي عَشَرَ ۱۰. الْعَاشِرُ ۹. ال

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● هر جمله درباره چه توضیح می دهد؟

۱. جَرِيَانٌ قَطَرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الحُزْنِ أَوْ الوَجَعِ. □ أَلْبُكَاء □ أَلْسُخْرِيَّة □
۲. طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي مُحَافِظَتَيْنِ بِشَمَالِ إِيرانِ. □ أَلرُّزُّ مَعَ السَّمَكِ □ أَلشَّايُّ الحَارُّ □
۳. مَرَكْزٌ لِلتَّعْلِيمِ العَاليِ يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ. □ أَلْمُسْتَشْفَى □ أَلجامِعَةُ □
۴. شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي أَلجامِعَاتِ. □ أَلشَّرْطِيُّ □ أَلطُّلَاب □
۵. فَصَلٌ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. □ أَلرَّبَّيع □ أَلخَرِيف □

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَادُونَ / شَرَطِيانِ / نافِذَتَيْنِ / سَيِّداتُ / أَطِعمَةُ / فَضَّةُ

	مفرد مؤنث
	مثنای مذکر
	مثنای مؤنث
	جمع مذکر سالم
	جمع مؤنث سالم
	جمع مکسر

التَّامِرِينَ الثَّامِنُ

● ترجمه کنید و انواع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. يا وُلْدِي، لَا تَتَيَأَسُ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدِرُ. أَطْلُبُ وَ اجْتَهِدْ.

۲. يا بِنْتِي، ابْتَسِمِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ قَرِيبًا.

۳. اَنْصُرُوا اَصْدِقَاءَكُمْ وَ لَا تَتْرُكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهَمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ اَيْضًا.

التَّامِرِينَ التَّاسِعُ

● با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وُلْدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ الْعُمْرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ مَسَاءً. يَنْهَضُ صَبَاحًا فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فِطْرَهُ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النُّصْفِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسُوبًا لَهُ وَ سَمَّحَ لَهُ بِالذُّخُولِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمُهَيِّمَةِ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرِنْتِ.» جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسُوبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا. مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكِبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّبِّ. فَجَاءَهُ سَمْعَ صَوْتِ الْمُعَلِّمِ: «أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ.»
فَتَحَّ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَ فَهَمَ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ بَلْ لِأُخْتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ
يَالَيْتَنِي كُنْتُ مُنْظَمًا!

درست نادرست

١. اشْتَرَى وَالِدُ حَامِدٍ حاسوبًا لَهُ.

٢. حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.

٣. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ ظَهْرًا.

٤. بَحَثَ حَامِدٌ عَنِ مَوْضُوعِ رِيَاضِيٍّ فِي الْإِنْتِرْنِتِ.

٥. سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ.





الْمُعْجَمُ

كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ
وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

الف

انجام داد ۷	«ابن: پسر، فرزند»	آباء: پدران «مفرد: أب»
أَحْمَرُ: سرخ	أَبواب: درها «مفرد: باب»	أَخِر: پایان
أَحْيَاء: زندگان «مفرد: حَيٌّ»	أَبْيَض: سفید	«أَخِرِينَ: آیندگان» ۳
أَخ (أَخُو، أَخَا، أَخِي):	أَتَى: آمد (مضارع: يَأْتِي)	أَخَر: دیگر
برادر، دوست «جمع: إِخْوَةٌ»	إِثْنَعَشَرَ: دوازده	آلة: دستگاه «جمع: آلات» ۷
أَخْت: خواهر «جمع: أَخَوَات»	إِثْنَان: دو	آلة طَبَاعَة: دستگاه چاپ ۷
إِخْتَرَعَ: اختراع کرد	الإِثْنَيْنِ، يَوْمُ الإِثْنَيْنِ: دوشنبه	أَمَن: ایمان آورد
(مضارع: يَخْتَرِعُ) ۷	أَجَابَ عَنْ: پاسخ داد به	(مضارع: يُؤْمِنُ) ۲
أَخَذَ: گرفت، برداشت	(مضارع: يُجِيبُ)	أ: آیا
(مضارع: يَأْخُذُ)	أَحَبُّ: دوست داشت	أَب (أَبُو، أَبَا، أَبِي): پدر
أَخْشَاب: چوب‌ها	(مضارع: يُحِبُّ)	إِبْتَدَأَ: شروع شد
أَخْضَر: سبز	إِحْتَرَقَ: آتش گرفت	(مضارع: يَبْتَدِئُ) ۱
إِخْوَان: یاران، برادران	(مضارع: يَحْتَرِقُ) ۴	إِبْتِسَام: لبخند
«مفرد: أَخ» ۳	الأَحَدِ، يَوْمُ الأَحَدِ: یکشنبه	أَبْحَاث: پژوهش‌ها
إِخْوَةٌ: برادران «مفرد: أَخ»	أَحَدٌ: یکی از، کسی	«مفرد: بَحْث» ۴
أَدَاء: به جا آوردن ۴	أَحَدَ عَشَرَ: یازده	إِبْنُ آدَم: آدمی زاد
أَدَاة: ابزار «جمع: أَدَوَات» ۷	إِحْدَى: یکی از	
إِدَارَةُ المُرور: اداره راهنمایی و	إِحْسَان: نیکی کردن	
رانندگی ۲	أَحْسَن: بهتر، بهترین ۹	
إِذْخَال: داخل کردن ۸	أَحْسَنَ عَمَلًا: کاری را نیکو	

أَطْعَمَةٌ : غذاها	أُسْرَةٌ : خانواده	أَدَوَاتٌ : ابزارها «مفرد: أداة» ۷
إِعْتَذَرَ : معذرت خواست	أُسْوَةٌ : الگو ۲	إِذٌ : آن گاه ۴
(مضارع: يَعْتَذِرُ) ۳	أَسْوَدٌ : سیاه	إِذَا : هرگاه، اگر
إِعْتَقَدَ : اعتقاد داشت	إِشَارَاتُ الْمُرُورِ :	أَرَادَ : خواست
(مضارع: يَعْتَقِدُ) ۹	علامت‌های رانندگی ۲	(مضارع: يُرِيدُ) ۱۰
أَعْجَزَ : ناتوان‌ترین ۳	إِسْتَرَى : خرید	أَرَادِلٌ : فرومایگان
أَعْطَى : داد (مضارع: يُعْطِي)	(مضارع: يَسْتَرِي)	الأَرْبَعَاءُ، يَوْمُ الأَرْبَعَاءِ :
أَعْلَامٌ : پرچم‌ها	إِسْتَعْلَلَ : کار کرد	چهارشنبه
أَعْلَمٌ : داناترین، داناتر	(مضارع: يَسْتَعْلِلُ) ۸	أَرْبَعَةٌ : چهار
أَفْاضِلٌ : شایستگان	أَشْجَارٌ : درختان	أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ : چهل
أَفْضَلٌ : برتر، برترین	أَصَابٌ : برخورد کرد	أَرْضٌ : زمین
إِقْتَرَبَ : نزدیک شد	(مضارع: يُصِيبُ) ۴	أَزْرَقٌ : آبی
(مضارع: يَقْتَرِبُ) ۲	أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صاحبان	أَزْهَارٌ : شکوفه‌ها، گل‌ها
أَقْدَامٌ : پاها «مفرد: قَدَمٌ»	شغل‌ها	«مفرد: زَهْرٌ»
أَقْرِبَاءٌ : خویشاوندان	أَصْدِقَاءٌ : دوستان	أُسْبُوعٌ : هفته «جمع: أَسَابِيعُ»
«مفرد: قَرِيبٌ»	«مفرد: صَدِيقٌ»	إِسْتَرْجَعَ : پس گرفت
أَقْمَارٌ : ماه‌ها «مفرد: قَمَرٌ»	أَصْفَرٌ : زرد	(مضارع: يَسْتَرْجِعُ) ۱۰
أَكْبَرٌ : بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَضَاعَ : تباہ کرد	إِسْتَلَمَ : دریافت کرد
اِكْتِسَابٌ : به دست آوردن ۳	(مضارع: يُضِيعُ) ۶	(مضارع: يَسْتَلِمُ) ۶
أَكَلٌ : خورد (مضارع: يَأْكُلُ)	إِضَاعَةٌ : تباہ کردن	أَسَدٌ : شیر ۵

اِنْكَسَرَ : شکسته شد
 (مضارع: يَنْكَسِرُ) ٤
 اَنْهَارُ : رودخانه‌ها «مفرد: نَهْر»
 اَوْ : یا
 اَوْراقُ : برگ‌ها «مفرد: وَرَق»
 اَوْسَطُ : میانه‌ترین
 اَوْلَادُ : پسران، فرزندان
 اِوَّلَى : یکم، نخستین
 «مؤنثِ اِوَّلُ»
 اَوْلِيكَ : آنان
 اَهْلًا وَّ سَهْلًا : خوش‌آمدید
 اَيَّ : کدام، چه
 اَيْضًا : همچنین
 اَيِّنَ : کجا
 اَيْتُّهَا : ای «برای مؤنث»
 اَيْهَآ : ای «برای مذکر»

(مضارع: يُمْكِنُ) ٩
 اَمِينُ : امانتدار
 «جمع: اَمْنَاء» ١٠
 اِنَّ : حقیقتاً، قطعاً
 اَنَّ : که
 اَنَا : من
 اَنْتَ : تو «مذکر»
 اَنْتِ : تو «مؤنث»
 اِنْتاجُ : تولید ٧
 اِنْتَبَاهُ : توجه ٩
 اَنْتُمْ : شما «مذکر»
 اَنْتُمَا : شما «مثنی»
 اَنْتُنَّ : شما «مؤنث»
 اَنْصَحُ : اندرزگوترین ٢
 اَنْفُسُهُمْ : به خودشان
 «مفرد: نَفْس»
 اَنْفَعُ : سودمندتر،
 سودمندترین
 اَنْقَدَ : نجات داد
 (مضارع: يَنْقِدُ) ٧

اِلاَ : به جز
 «در ساعت خوانی: مانده»
 اِلاَ : هان
 اَلَّذِي : کسی که، که
 اَلَّذِيْنَ : کسانی که، که
 اَلْوَانُ : رنگ‌ها
 اِلىَ : به، به سوی، تا
 اِلىَ اللِّقَاءِ : به امید دیدار
 اَلْيَوْمُ : امروز، روز
 اُمُّ : مادر «جمع: اُمَّهات»
 اُمُّ، اَوْ : یا
 اَمَامَ : روبه‌رو «متضاد: خَلْف»
 اَمَانَ : امنیت
 اِمْرًا (الْمَرْءُ) : انسان، مرد
 اَمْرَاءُ : فرماندهان
 «مفرد: اَمِير» ٩
 اِمْرَاةً (الْمَرْأَةُ) : زن
 «نساء: زنان»
 اَمْسٍ : دیروز
 اَمَكَنَ : امکان داشت

ب

بِ: به وسیله

باب: در «جمع: أبواب»

بارِد: سرد «متضاد: حار»

بِالتَّأَكِيدِ: البته

بِإِع: فروشنده

بِحَاجَةٍ: نیازمند

بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت

(مضارع: يَبْحَثُ عَنْ)

بَحْر: دریا

بَدَأَ: شروع کرد، شروع شد

(مضارع: يَبْدَأُ)

بِدَايَةٍ: شروع «متضاد: نهایه»

بُسْتَان: باغ

«جمع: بساتین/مترادف: حَدِيقَةٌ»

بِسُهُولَةٍ: به آسانی

بَسِيط: ساده

بَصَرَ: دیده «جمع: أَبْصَار»

بِضَائِع: کالاها

«مفرد: بِضَاعَةٌ» ۷

بَطَّارِيَّة: باتری ۷

بَعْدَمَا: پس از اینکه

بَعِيد: دور «متضاد: قَرِيب»

بُعْتَةٌ: ناگهان ۴

بَقْرَةٌ: گاو

بُكَاء: گریه کردن، گریه ۲

بِكُلِّ سُور: با کمالِ میل

بُل: بلکه

بِلا: بدون

بِلاد: کشور، شهرها

«مفرد: بَلَد»

بَلَد: شهر «مترادف: مَدِينَةٌ»

بِمَ: با چه چیزی «بِ + ما»

بِنْت: دختر «جمع: بَنَات»

بِنْفَسَجِي: بنفش ۹

بِنِين: پسران ۱

بَيْت: خانه

بُنْر: چاه ۸

بَيْع: فروش «متضاد: شِرَاء»

ت

التَّاسِع، التَّاسِعَة: نهم

تَالِي: بعدی ۲

تَحْت: زیر «متضاد: فَوْق»

تَخْرَج: فارغ التحصیل شد

(مضارع: يَتَخَرَّجُ) ۱

تَرَكَ: ترک کرد

(مضارع: يَتْرُكُ) ۶

تَسْعَة: نه

تَسْلِيم: تحویل دادن ۱۰

تَصَادَمَ: تصادف کرد

(مضارع: يَتَصَادَمُ) ۲

تَعَالَى: بیا ۸

تَعَب: خستگی ۹

تَعَجَّبَ: تعجب کرد

(مضارع: يَتَعَجَّبُ) ۳

تَعَلَّمَ: یاد گرفت

(مضارع: يَتَعَلَّمُ) ۶

تَعَلَّمَ: یاد گرفتن

ث

جار : همسایه «جمع: جبران»

جالس : نشسته

جامعة : دانشگاه ۴

جاهل : نادان «متضاد: عالم»

جبال : کوه‌ها

جبَل : کوه «جمع: جبال»

جدّ : پدربزرگ

جدّد : کوشید

(مضارع: يَجِدُّ) ۵

جدّاً : بسیار

جِدَار : دیوار

جدّة : مادربزرگ

جَرَحَ : زخمی کرد

(مضارع: يُجَرِّحُ) ۵

جزاء : پاداش، کیفر

جزر : هویج ۹

جِسْر : پُل «جمع: جُسُور» ۳

جَعَلَ : قرار داد

(مضارع: يَجْعَلُ)

«مترادف: وَضَعَ»

تَعْوِضُ : جبران کردن ۹

تَفَاحُ : سیب

تَفَضَّلُ : بفرما ۸

تَقَاعُدُ : بازنشستگی

تَقَدَّمَ : پیشرفت

تَكَلَّمَ : صحبت کردن ۲

تَكَلَّمَ : صحبت کرد

(مضارع: يَتَكَلَّمُ) ۲

تِلْكَ : آن «مؤنث»

تِلْمِيزُ : دانش آموز

«جمع: تَلَامِيزُ» ۱

تَلْوِينُ : رنگ آمیزی ۹

تِمْتَالُ : تندیس

«جمع: تَمَاتِيلُ» ۷

تَمْرُ : خرما

تَنَاوَلُ : خورد

(مضارع: يَتَنَاوَلُ) ۹

تَهِيَّةُ : تهیه

ج

جاءَ : آمد «مترادف: أَتَى»

ح

«مترادف: بساتین»

حَدَّث : اتفاق افتاد

(مضارع: يَحْدُثُ)

حُدود : مرز، مرزها

حَدِيقَة : باغ «جمع: حَدَائِقُ»

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ : باغ وحش

حَدَّرَ : هشدار داد

(مضارع: يُحَدِّرُ) ۲

حَرْبٌ : جنگ ۴

حَرَسَ : نگهداری کرد،

نگهبانی داد

(مضارع: يَحْرُسُ)

حَرَكٌ : تحریک کرد

(مضارع: يُحَرِّكُ) ۹

حَرِيقٌ : آتش سوزی ۷

حَزِنٌ : غمگین شد

(مضارع: يَحْزَنُ)

«متضاد: فَرِحَ»

حَزِينٌ : غمگین

حُسامٌ : شمشیر

جَلَبٌ : آورد (مضارع: يَجْلِبُ)

جَلَسَ : نشست

(مضارع: يَجْلِسُ)

جُلوسٌ : نشستن ۱

جَلِيسُ السُّوءِ : همنشین بد

جَمالٌ : زیبایی «متضاد: قُبْحٌ»

جَمَعَ : جمع کرد

(مضارع: يَجْمَعُ)

جَمِيلٌ : زیبا «متضاد: قَبِيحٌ»

جَنْبٌ : کنار

جَنَّةٌ : بهشت

جُنْدِيٌّ : سرباز «جمع: جُنودٌ»

جُنودٌ : سربازان

جَوٌّ : هوا

جَوَالٌ (الْهَاتِفُ الْجَوَالُ) :

تلفن همراه

جَهْلٌ : نادانی «متضاد: عِلْمٌ»

جَيِّدٌ : خوب، به خوبی

حَاجَة : نیاز «جمع: حَوَائِجُ»

الْحَادِي عَشْرَ، الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ :

یازدهم

حَارٌّ : گرم «متضاد: بَارِدٌ»

حاسوبٌ : رایانه ۱۰

حَافِلَةٌ : اتوبوس

حَاوَلٌ : تلاش کرد

(مضارع: يُحَاوِلُ) ۵

حَبٌّ : دانه «جمع: حُبوبٌ»

حُبٌّ : دوست داشتن

حَبَّةٌ : یک دانه

حُبوبٌ مُسَكَّنَةٌ : قرص‌های

مسکن

حَبِيبٌ : دوست

«مترادف: صَدِيقٌ / متضاد: عَدُوٌّ»

حَجَرٌ : سنگ «جمع: أَحْجارٌ»

حَدَادٌ : آهنگر

حَدَائِقُ : باغ‌ها

حَسِبَ: پنداشت

(مضارع: يَحْسِبُ) ۳

حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی

حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی

حُسْن: خوبی

«متضاد: قُبْح، سوء»

حَسَن، حَسَنَةٌ: خوب

حَصَدَ: درو کرد

(مضارع: يَحْصُدُ)

حَطَبَ: هیزم

حَقَرَ: گند

(مضارع: يَحْقِرُ) ۳

حَفِظَ: حفظ کرد

(مضارع: يَحْفَظُ)

حَفَلَةُ زَوَاجٍ: جشن عروسی ۶

حَفَلَةُ مِيلَادٍ: جشن تولد ۶

حَقَائِبُ: کیف‌ها، چمدان‌ها

حَقِيبَةٌ: کیف، چمدان

«جمع: حَقَائِبُ»

حَلْوَانِيّ: شیرینی‌فروش

حَلِيبَ: شیر ۹

حَمَامَةٌ: کبوتر

حَمَلٌ: بُرْدَن، حمل کردن

حَوَارٍ: گفت‌وگو

حَوَائِجُ: نیازها

حَوَلٌ: اطراف

حَيَاءٌ: شرم

حَيٍّ: زنده «جمع: أَحْيَاءُ»

حَيَاةٌ: زندگی «متضاد: مَوْت»

خ

خَافَ: ترسید (مضارع: يَخَافُ)

الْخَامِسُ، الْخَامِسَةُ: پنجم

الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ: پانزدهم ۱۰

خَائِفٌ: ترسیده، ترسان

خَبَازٌ: نانوا

خُبْزٌ: نان

خَدَمٌ: خدمت کرد

(مضارع: يَخْدِمُ)

خَرَجَ: بیرون رفت

(مضارع: يَخْرُجُ)

خَرِيفٌ: پاییز

خِرَانَةٌ: گنجینه

«جمع: خَرَائِنُ»

خَرَائِنٌ: گنجینه‌ها

خُسْرَانٌ: زیان

خَشَبٌ: چوب

«جمع: أَخْشَابُ»

خَطَأٌ: خطا «جمع: أَخْطَاءُ» ۹

خَطَايَا: گناهان، خطاها

«مفرد: خَطِيئَةٌ»

خَلْفٌ: پشت

«مترادف: وِرَاء/ متضاد: أَمَامُ»

خَلَقَ: آفرید (مضارع: يَخْلُقُ)

خَمْسَةٌ: پنج

الْخَمِيسُ، يَوْمُ الْخَمِيسِ:

پنجشنبه

خَوْفٌ: ترس، ترسیدن

خَيْرٌ: بهتر، بهترین

ذ

رَأَى : نظر، فکر
 رَائِحَة : بو ۶
 رَبَّ : چه بسا
 رَبِيع : بهار
 رَجَاء : امید ۴
 رَجَاءً : لطفاً ۳
 رَجَع : برگشت (مضارع: يَرْجِعُ)
 رَجُل : مرد «جمع: رجال»
 رُجوع : برگشتن
 رَحِمَ : رحم کرد
 (مضارع: يَرْحَمُ) ۳
 رَخِيص، رَخِيصَة : ارزان
 رُز : برنج
 رِسَالَة : نامه «جمع: رَسَائِل»
 رَسَائِل : نامه‌ها
 رَسَم : نقاشی کردن ۹
 رَسَمَ : نقاشی کرد
 (مضارع: يَرْسُمُ) ۲
 رَصِيف : پیاده‌رو ۲
 رِضا : رضایت

د

ذَاهِب : رفته
 ذَكَرَ : یاد کرد (مضارع: يَذْكُرُ)
 «متضاد: نَسِيَ»
 ذَكِي : باهوش ۲
 ذَلِك : آن «مذکر»
 ذَنْب : گناه «جمع: ذُنُوب»
 ذَهَاب : رفتن ۳
 ذَهَبَ : طلا
 ذَهَبَ : رفت (مضارع: يَذْهَبُ)
 ذِئْب : گرگ «جمع: ذِئَاب»

دُخَان : دود ۴
 دَخَلَ : داخل شد
 (مضارع: يَدْخُلُ)
 دِرَاسَة : درس خواندن ۱
 دِرَاسِي : تحصیلی ۱
 دَرَسَ : درس خواند
 (مضارع: يَدْرُسُ) ۷
 دَرَسَ : درس داد
 (مضارع: يُدْرِسُ) ۱
 دَفَعَ : دور کرد، پرداخت
 (مضارع: يَدْفَعُ) ۶
 دَفَعَ : پرداختن ۷

ر

الرَّابِع، الرَّابِعَة : چهارم
 رَاحِم : رحم‌کننده ۳
 رَأْس : سر ۶
 رَاسِب : مردود ۶
 رَاقِد : بستری ۶
 رَأَى : دید

دَلِيل : راهنما ۸
 دَمَع : اشک «جمع: دُمُوع»
 دَوْرَان : چرخیدن
 دَهْر : روزگار

السَّبْت، يَوْمُ السَّبْتِ : شنبه

سَبْعَةٌ : هفت

سَبْعِينَ، سَبْعُونَ : هفتاد

سِتَّةٌ : شش

سَتْرٌ : پوشاند، پنهان کرد

(مضارع: يَسْتُرُ) ۲

سَجَدَ : سجده کرد

(مضارع: يَسْجُدُ)

سَحَابٌ : ابر

سَخَاةٌ، سَخَاوَةٌ : بخشندگی ۹

سَخَاوَةٌ : بخشندگی

سِرْوَالٌ : شلوار

سَفْرَةٌ : سفر

سَفْرَةٌ عِلْمِيَّةٌ : گردش علمی

سَفِينَةٌ : کشتی

سَكَّتَ : ساکت شد

(مضارع: يَسْكُتُ) ۵

سَلَّمَ : سلام کرد

(مضارع: يُسَلِّمُ) ۱۰

سَلِمَ : سالم ماند

زَوْجَةٌ : همسر «زوج: شوهر»

زَهْرٌ : شکوفه، گل

«جمع: أزهار»

زَهْرَةٌ : یک شکوفه، یک گل

س

سَاءَ سَوْفَ : نشانه آینده

السَّابِعُ، السَّابِعَةُ : هفتم

سَاجِدٌ : سجده کننده

سَاحَةٌ : حیاط، میدان

السَّادِسُ، السَّادِسَةُ : ششم

سَاعَدَ : کمک کرد

(مضارع: يُسَاعِدُ) ۷

سَافَرَ : سفر کرد

(مضارع: يُسَافِرُ)

سَأَلَ : پرسید

(مضارع: يَسْأَلُ)

«متضاد: أَجَابَ»

سَأَّقَ : راننده

رَفَعَ : بالا برد، برداشت

(مضارع: يَرْفَعُ)

رَقَدَ : بستری شد، خوابید

(مضارع: يَرْقُدُ) ۲

رَكِبَ : سوار شد

(مضارع: يَرْكَبُ) ۸

رُمَانَ : انار

رياح : باده‌ها ۴

رياضة : ورزش

رياضي : ورزشکار

رئيسي : اصلی ۷

ريح : باد «جمع: رياح» ۴

ز

زَادَ : زیاد کرد، زیاد شد

(مضارع: يَزِيدُ) ۱

زُجَاجَةٌ عِطْرٍ : شیشه عطر ۶

زَرَعَ : کاشت (مضارع: يَزْرَعُ)

زَمِيلٌ : هم‌شاگردی

«جمع: زُمَلَاءُ»

ش

(مضارع: يَشْرَحُ)
 شَرْطِيّ : پلیس
 شَرِكَة : شرکت ۷
 شَعْرَب : احساس...کرد
 (مضارع: يَشْعُرُ)
 شَقَاوَة : بدبختی ۲
 شَكَر : تشکر کرد
 (مضارع: يَشْكُرُ)
 شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار متشکرم
 شَلَال : آبشار «جمع: شَلالات»
 شَمْس : خورشید
 شَوَارِع : خیابانها
 شَهْر : ماه «جمع: شُهُور»
 شُهُور : ماهها

ص

صَالِح : درستکار ۲
 صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النَّوْرِ :
 صبح به خیر

شَابّ : جوان ۴
 شَارِع : خیابان «جمع: شَوَارِع»
 شَاهِد : دید (مضارع: يُشَاهِدُ)
 شاي : چای
 شَبَاب : دوره جوانی ۱
 شَبَاب : جوانان
 «مفرد: شَابّ» ۴
 شَبَكَة : تور
 شِتَاء : زمستان
 شَجَر : درخت «جمع: أَشْجَار»
 شَجَرَة : یک درخت
 شَجَّع : تشویق کرد
 (مضارع: يُشَجِّعُ) ۵
 شِرَاء : خریدن «متضاد: بَيْع»

شَرَاب : نوشیدنی، شربت
 «جمع: أَشْرِبَة» ۶
 شَرِبَ : نوشید (مضارع: يَشْرَبُ)
 شَرَح : شرح داد

(مضارع: يَسَلِّمُ)
 سَمَاء : آسمان
 «جمع: سَمَاوَات»
 سَمَاوِيّ : آسمانی ۹
 سَمَحَ لَ : اجازه داد
 (مضارع: يَسْمَحُ)
 سَمْع : شنوایی ۵
 سَمِعَ : شنید (مضارع: يَسْمَعُ)
 سَمَك : ماهی «جمع: أَسْمَاك»
 سَنَة : سال «جمع: سَنَوَات»
 سوء : بدی، بد «متضاد: فُئِح»
 سوق : بازار
 سَهْل : آسان
 سَيَّارَة : خودرو
 سَيَّارَة الْأُجْرَة : تاکسی ۸
 سَيِّد : آقا
 سَيِّدَة : خانم

صَيْف : مهمان

«جمع : صُيوف»

صُيوف : مهمانان

ط

طَارَج : تازه ۹

طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة : نیروی برق ۷

طَالِب : دانش آموز، دانشجو

«جمع : طُلاب»

طَائِر : پرنده

طَائِرَة : هواپیما

طِبُّ الْعَيُون : چشم پزشکی

طَبَّاح : آشپز

طَبْخ : پختن

طَبَّخ : پخت (مضارع: يَطْبُخُ)

طَبَعَ : چاپ کرد

(مضارع: يَطْبَعُ) ۷

طَرَدَ : با تندى راند

(مضارع: يَطْرُدُ) ۷

طَرَّقَ : کوبید (مضارع: يَطْرُقُ)

صَغِير : کوچک «متضاد : كَبِير»

صَفَّ : کلاس «جمع : صُفوف»

صَلَاة : نماز

صِنَاعَة : صنعت ۷

صِنَاعِيَّة : صنعتی ۷

صُنِع : ساختن

صَنَعَ : ساخت (مضارع: يَصْنَعُ)

صُور مُتَحَرِّكَة :

عکس‌های متحرک ۷

صَوْرَة : عکس «جمع: صُور»

صَوْم : روزه ۶

صَيْف : تابستان

الصَّيْن : چین ۴

ض

صَحِيح : خندید

(مضارع: يَضْحَكُ)

صَرَبَ : زد (مضارع: يَضْرِبُ)

صَغَطُ الدَّم : فشار خون

صِيَاقَة : مهمانی

صِحَّة : تندرستی

صَحِيفَة : روزنامه

«جمع : صُحف» ۲

صَحِيفَة جِدَارِيَّة :

روزنامه دیواری ۲

صُدَاع : سردرد

صِدَاقَة : دوستی

صِدْق : راست گفتن ۳

صَدَقَ : راست گفت

(مضارع: يَصْدُقُ)

صَدَمَ : برخورد کرد

(مضارع: يَصْدِمُ) ۲

صَدِيق : دوست

«جمع : أَصْدِقَاء / متضاد : عَدُو»

صَرَخَ : فریاد زد

(مضارع: يَصْرُخُ) ۴

صَعَبَ : سخت «جمع: صِعَاب» ۱

صَعِدَ : بالا رفت

(مضارع: يَصْعَدُ)

صَغَرَ : کوچکى

ع

عَدُوٌّ : دشمن

«جمع: أَعْدَاء» ۳

عُدُوَان : دشمنی

«متضاد: صَدَاقَةٌ»

عَرَبِيَّة : واگن، گاری ۷

عَرَفَ : شناخت، دانست

(مضارع: يَعْرِفُ)

عِزَّة : ارجمندی

عَزَلَ : برکنار کردن ۱۰

عُشٌّ : لانه

عِشَاء : شام

عَشْرَةٌ : ده

عَصْفَ : وزید

(مضارع: يَعِصِفُ) ۴

عُصْفُور : گنجشک

«جمع: عَصَافِير»

عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ : آبیوه ۹

عَطَّرَ : عطر زد

(مضارع: يُعَطِّرُ) ۶

عَفْوًا : ببخشید

طَعَام : خوراک

«جمع: أَطْعِمَةٌ»

طُفُولَةٌ : کودکی ۷

طُلَّابٌ : دانش آموزان،

دانشجویان

طَلَّبَ : درخواست کرد

(مضارع: يَطْلُبُ)

طَيَّار : خلبان ۹

ظ

ظَلَمَ : ستم کرد

(مضارع: يَظْلِمُ)

ظَنَّ : گمان کرد

(مضارع: يَظُنُّ) ۵

ظَهَرَ : آشکار شد

(مضارع: يَظْهَرُ) ۴

عَاشَ : زندگی کرد

(مضارع: يَعِيشُ)

الْعَاشِرُ، الْعَاشِرَةُ : دهم

عَالَمٌ : جهان

عَالَمِيٌّ : جهانی، بین المللی

عَالَمِيَّاتٌ : جهانیان

عام : سال ۱

عامٌ دِرَاسِيٌّ : سال تحصیلی ۱

عِبَاءَةٌ : چادر

عَبَدَ : بنده «جمع: عِبَاد»

عَبَرَ : عبور کرد

(مضارع: يَعْبُرُ)

عِبْرَةٌ : پند «جمع: عِبَر»

عَتِيقٌ : کهنه ۶

عَجَزَ : ناتوان شد

(مضارع: يَعْجِزُ) ۳

عَدَاوَةٌ : دشمنی

«متضاد: صَدَاقَةٌ»

غ

عَلِمَ : پرچم «جمع: أعلام»

عَلِمَ : دانست (مضارع: يَعْلَمُ)

عَلَى : بر، روی

عَلَى الْإِسَارِ : سمت چپ

عَلَى الْيَمِينِ : سمت راست

عَلَيْكَ : بر تو، به زبانِ تو

عَلَيْكَ بِ... :

بر تو لازم است...، تو باید ...

عَمِلَ : انجام داد، کار کرد

(مضارع: يَعْمَلُ)

عَمُود : ستون

عَنْ : درباره، از

عَنْب : انگور

عِنْدَ : هنگام، نزد، کنار، داشتن

عِنْدَكَ : داری، نزد تو

عِنْدَمَا : وقتی که

عَيْش : زندگی

عَيْنٌ : چشم، چشمه

«جمع: عُيُون»

عَضَبَان : خشمگین ۳

عَفَّرَ : آمرزید (مضارع: يَغْفِرُ)

عَيَّرَ : تغییر داد

(مضارع: يُعَيِّرُ) ۶

ف

فَ : پس، و

فَاعِلٍ : انجام دهنده

فَاكِهَةٌ : میوه «جمع: فَوَاكِه»

فَائِزٌ : برنده

فَتَحَ : باز کرد (مضارع: يَفْتَحُ)

فَجَاءَهُ : ناگهان ۲

فَحَصَ : معاینه کرد

(مضارع: يَفْحَصُ)

فَحْصٌ : معاینه کردن

فِرَاحٌ : جوجه‌ها

فَرَجٌ : گشایش، رهایی از سختی ۴

فَرِحَ : خوشحال شد

(مضارع: يَفْرَحُ)

فَرَحٌ : خوشحالی

غَابَةٌ : جنگل

غَارَةٌ : حمله «غارات لَيْلِيَّة»:

حملات شبانه» ۹

غَالِيَةٌ : گران

«متضاد: رَخِيصَةٌ»

غَايَةٌ : پایان

غَدَاً : فردا

غَدَاءٌ : ناهار

غُرَابٌ : کلاغ

غُرْفَةٌ : اتاق «جمع: غُرَف»

غَرِقَ : غرق شد

(مضارع: يَغْرُقُ)

غِرْلَانٌ : آهوها «مفرد: غِرَالَةٌ»

غَسَلَ : شُست

(مضارع: يَغْسِلُ)

غَضِبَ : خشمگین شد

(مضارع: يَغْضَبُ) ۳

غَضَبٌ : خشم

فَرَحٌ : جوجه «جمع: فِرَاح»

فَرَسٌ : اسب

فُرْشَاةٌ : مسواک ۹

فَرِيضَةٌ : واجبِ دینی

فَرِيْقٌ : تیم، گروه

«جمع: أَفْرِقَةٌ» ۴

فُسْتَانٌ : پیراهنِ زنانه

«جمع: فَسَاتِين»

فِصَّةٌ : نقره

فَطُورٌ : صبحانه

فَعَلٌ : انجام داد

(مضارع: يَفْعَلُ)

فِعْلٌ : کار، انجام دادن

فَقَدَ : از دست داد

(مضارع: يَفْقِدُ) ۲

فَلَّاحٌ : کشاورز

فُنْدُقٌ : هتل «جمع: فَنَادِق»

فَوَاكِهِ : میوه‌ها

فَوْقٌ : بالا، روی

«متضاد: تَحْت»

فَهِيْمٌ : فهمید (مضارع: يَفْهَمُ)

فِي : در، داخلِ

فِي أَمَانِ اللَّهِ : خداحافظ

ق

قَادِمٌ : آینده

قَاطِعٌ : بُرنده

قَاطِعُ الرَّحِمِ :

بُرندهٔ پیوند خویشان ۳

قَافِلَةٌ : کاروان «جمع: قَوَائِل»

قَالَ فِي نَفْسِهِ : با خودش گفت

قَالَ : گفت (مضارع: يَقُولُ)

قُبْحٌ : زشتی

«متضاد: جَمَال» ۲

قَبَّلَ : بوسید

(مضارع: يُقَبِّلُ) ۳

قَبْلَ أُسْبُوعٍ : هفتهٔ قبل

قَبِلَ : پذیرفت (مضارع: يَقْبَلُ)

قَبِيحٌ : زشت

قَدَرَ : توانست (مضارع: يَقْدِرُ)

قَدَمٌ : پا «جمع: أَقْدَام»

قَدَفٌ : انداخت

(مضارع: يَقْدِفُ)

قَرَأٌ : خواند (مضارع: يَقْرَأُ)

قَرَبَ مِنْ : نزدیک شد به

(مضارع: يَقْرُبُ)

قَرِيبٌ مِنْ : نزدیک به

«متضاد: بَعِيدٌ عَنْ»

قَرِيَّةٌ : روستا

قَسَمَ : تقسیم کرد

(مضارع: يَقْسِمُ) ۳

قَشِرٌ : پوست ۹

قَصِيرٌ : کوتاه

قَطَعَ : بُرید (مضارع: يَقْطَعُ)

قَلٌّ : کم شد

(مضارع: يَقِلُّ) ۹

قَلِيلٌ : کم «متضاد: كَثِير»

قَمَحٌ : گندم

قَمَرٌ : ماه «جمع: أَقْمَار»

قَمِيصٌ : پیراهن

قَوَافِل : کاروان‌ها

قَوْل : گفتار

قیام : برخاستن ۱

قیمّة : ارزش، قیمت

ک

کَد : مانند

کاتب : نویسنده

کان : بود

کَانَّ : گویا، انگار

کِبَر : بزرگسالی

«متضاد: صَغَر» ۵

کَبِیر : بزرگ «متضاد: صَغِیر»

کِتَابَة : نوشتن ۱

کَتَبَ : نوشت (مضارع: یَكْتُبُ)

کَتَمَ : پنهان کرد

(مضارع: یَكْتُمُ)

کَثُرَ : زیاد شد

(مضارع: یَكْثُرُ) ۸

کَثْرَة : فراوانی ۶

کَثِیر : بسیار «متضاد: قَلِیل»

کَدَبَ : دروغ گفت

(مضارع: یَكْذِبُ)

«متضاد: صَدَقَ»

کُرَة : توپ

کُرَة القَدَم : فوتبال

کُرَة المِنْصَدَة : تنیس روی میز

کُرْسِی : صندلی «جمع: کُرَاسِی»

کَشَفَ : آشکار کرد

(مضارع: یَكْشِفُ) ۳

کَلَام : سخن

کَلَبَ : سگ ۵

کَلَمَ : - شِما «مذکر»

کَم : چند، چقدر

کَمَا : - شِما «مثنی»

کَمَا : همان‌گونه که

کُنَّ : - شِما «مؤنث»

کُنز : گنج «جمع: کُنوز»

کَهْرَبَائِی : برقی ۷

کیمیاء : شیمی

کَيْفَ : چطور

کیمیائِی : شیمیایی ۷

کَ : - تو «مذکر»

کِ : - تو «مؤنث»

ل

لَ : دارد، برای «گاهی لَ به لَ

تبدیل می‌شود؛ مانند: لَهُ، لَكَ»

لا : نه، نیست، حرف نفی

مضارع

لا بَأْسَ : اشکالی ندارد ۸

لا شُكْرَ عَلَی الْوَاجِبِ : وظیفه‌ام

است؛ تشکر لازم نیست ۸

لا عِبَ : بازیکن

لامَ : ملامت کرد

(مضارع: یَلومُ) ۶

لِأَنَّ : زیرا

لَيْسَ : پوشید (مضارع: يَلْبَسُ)

لِسَان : زبان

لَعِبَ : بازی کرد

(مضارع: يَلْعَبُ)

لُغَةٌ : زبان

لَقَدْ : قطعاً ۲

لِكِنَّ، لِكِنَّ : ولی

لِمَ : برای چه (لِ + ما) ۲

لَمَّا : هنگامی که

لِمَاذَا : چرا

لِمَنْ : مالِ چه کسی، مال چه

کسانی

لَوْحَةٌ : تابلو

لَوْنٌ : رنگ «جمع: ألوان»

لَيْسَ : نیست

لَيْسَ لَهُ : ندارد، برایش نیست

لَيْلٌ : شب

لَيْمُونٌ : لیمو ۹

م

ما : آنچه ۲

ما : حرف نفی ماضی

ما؟ : چه، چه چیز، چیست؟

ما بِك : تو را چه می شود

ماء : آب «جمع: میاه»

ماذا : چه، چه چیز

مَائِدَةٌ : سفره غذا

مَبْرُوكٌ : مبارک

مُبِينٌ : آشکار

مُتَحَفٌ : موزه ۸

مَتَى : چه وقت

مِثَالِي : نمونه ۶

مُجَالَسَةٌ : همنشینی

مُجْتَهِدٌ : کوشا ۲

مُجِدٌّ : کوشا

مُجَفَّفٌ : خشک شده ۹

مَجْنُونٌ : دیوانه

مَجْهُولٌ : ناشناخته، گمنام

مُحَافَظَةٌ : استان

مُحَاوَلَةٌ : تلاش ۴

مُخْتَبَرٌ : آزمایشگاه

مَخْرَزٌ : انبار

«جمع: مَخَازِن» ۳

مُدَارَاةٌ : مدارا کردن

مُدْرَسٌ : معلّم

مُدُنٌ : شهرها

مَدِينَةٌ : شهر «جمع: مُدُن»

مَرَأَةٌ (الْمَرَأَةُ) : زن

مُرَاجَعَةٌ : دوره

مَرَّةٌ : بار، دفعه

مَرَحَمَةٌ : رحمت ۱

مَرَضُ السُّكَّرِ : بیماری قند

مَرَضَى : بیماران

«مفرد: مَرِيضٌ»

مُرُورٌ : عبور کردن ۲

مُزْدَجِمٌ : شلوغ ۶

مَسَاءٌ : شب، بعد از ظهر

مُسَاعَدَةٌ : کمک

مَلْفٌ : پرونده ۶
 مَلَكٌ : فرمانروا شد
 (مضارع: يَمْلِكُ)
 مَمَرٌ : گذرگاه ۱
 مَمَرٌ مُشَاةٌ : گذرگاه پیاده ۲
 مُمَرِّضٌ : پرستار
 مَمْلُوءٌ بِـ : پُر از
 مِنْ : از
 مَنْ : چه کسی، چه کسانی،
 هرکس، کسی که
 مِنْ أَيْنَ : از کجا، اهل کجا
 مُنْشَقَّةٌ : حوله
 مُنْصَدَةٌ : میز
 مُنْظَمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ :
 سازمان ملل متحد
 مُوَاصَلَةٌ : ادامه دادن ۴
 مَوْتٌ : مرگ
 مَوْطَفٌ : کارمند
 مُهْدِيٌّ : آرام بخش ۹
 مُهْمَةٌ إِدَارِيَّةٌ : مأموریت اداری

مَطَبَعَةٌ : چاپخانه
 «جمع: مَطَائِع» ۷
 مَطَرٌ : باران
 «جمع: أَمْطَار» ۴
 مَطْعَمٌ : غذاخوری، رستوران
 «جمع: مَطَاعِم»
 مَعَ : با، همراه
 مَعَ السَّلَامَةِ : به سلامت
 مَعًا : با هم
 مَعْجُونُ أُسْنَانٍ : خمیر دندان
 مَفَاتِيحٌ : کلیدها
 مِفْتَاحٌ : کلید «جمع: مَفَاتِيح»
 مَكْتَبَةٌ : کتابخانه
 مُكْرَمٌ : گرامی ۸
 مَلَأٌ : پُر کرد (مضارع: يَمْلَأُ)
 مَلَابِسٌ : لباسها
 مَلَاعِبٌ : زمین های بازی،
 ورزشگاهها
 مَلْعَبٌ : زمین بازی، ورزشگاه
 «جمع: مَلَاعِب»

مُسْتَشْفَى : بیمارستان ۲
 مُسْتَوْصَفٌ : درمانگاه
 مُسَجَّلٌ : دستگاه ضبط ۷
 مَسْرُورٌ : خوشحال
 «متضاد: حَزِين»
 مُسْلِمٌ : مسلمان
 مَسْمُوحٌ : مجاز
 مِشْمِشٌ : زردآلو ۹
 مُشَاةٌ : پیادگان
 «مفرد: ماشي» ۱
 مَصَابِيحٌ : چراغها
 مِصْبَاحٌ : چراغ
 «جمع: مَصَابِيح»
 مُصْحَفٌ : قرآن
 مَصْنَعٌ : کارخانه
 مَصِيرٌ : سرنوشت ۵
 مَصَى : گذشت
 (مضارع: يَمْضِي) ۴
 مَطَاعِمٌ : غذاخوریها،
 رستورانها

مِهْنَةٌ : شغل «جمع: مِهَن»

مُهَنْدِسٌ زِرَاعِيٌّ : مهندس

کشاورزی

مِياه : آبها

«مفرد: ماء» ٤

نَحْنُ : ما

نَدِمَ : پشیمان شد

(مضارع: يَنْدِمُ)

نَزَلَ : پایین آمد

(مضارع: يَنْزِلُ) ٤

نِسَاءٌ : زنان

نَسِيٌّ : فراموش کرد

نِسْيَانٌ : فراموشی

نَشِيطٌ : بانشاط، فَعَالٌ ٦

نَصٌّ : متن «جمع: نُصُوص»

نَصْرٌ : یاری، پیروزی

نَصَرَ : یاری کرد (مضارع: يَنْصُرُ)

نُصُوصٌ : متنها

نَظْرٌ : نگاه

نَظَرَ : نگاه کرد (مضارع: يَنْظُرُ)

نَظِيفٌ : پاکیزه

نَعْمٌ : بله

نَفْسٌ : خود، همان

نَفَعَ : سود رساند

(مضارع: يَنْفَعُ)

نَفَقَةٌ : هزینه ٧

نَقَصَ : کم شد

(مضارع: يَنْقُصُ) ٥

نُقُودٌ : پول، پولها ٨

نَوْمٌ : خواب ٧

نَهَارٌ : روز

نِهَایَةٌ : پایان «متضاد: بَدَایَةٌ»

نَهْرٌ : رودخانه «جمع: أَنْهَارٌ»

ن

نَا : ـنا

نَاجِحٌ : موفق، پیروز

نَادَى : صدا زد

(مضارع: يُنَادِي) ٢

نَارٌ : آتش

نَاسٌ : مردم

نَافِذَةٌ : پنجره «جمع: نَوَافِذُ»

نَامٌ : خوابید (مضارع: يَنَامُ) ٦

نَبَاتٌ : گیاه «جمع: نَبَاتَاتُ» ٤

نَجَاحٌ : موفقیت ٥

نَجَحَ : موفق شد

(مضارع: يَنْجَحُ)

و

وَاجِبٌ : تکلیف

وَاحِدٌ : یک

وَاسِعٌ : وسیع

وَاقِفٌ : ایستاده

وَإِلِدٌ : پدر «مترادف: أَبٌ»

وَإِلِدَةٌ : مادر «مترادف: أُمٌّ»

وَإِلِدَيْنِ، وَإِلِدَانٍ : پدر و مادر

وَجَدَ : پیدا کرد

وَجَعٌ : درد

وَجْهٌ : چهره

هنا : اینجا
هناك : آنجا
هو : او «مذکر»
هؤلاء : اینان
هي : او «مؤنث»

ی

ي : من
يا : ای
يأيتني : ای کاش من
يد : دست «جمع: آيدي»
يسار : چپ
يعتمد : اعتماد می کند
يمين : راست
يوجد : وجود دارد ۹
يوم : روز «جمع: أيام»
يس : ناامید شد

ها : او، - آن «مؤنث»
هاتان : این دو، اینها، این
«مؤنث»
هادئ : آرام ۲
هجر : دوری
هذا : این «مذکر»
هذان : این دو، اینها، این
«مذکر»

هذه : این «مؤنث»
هرب : فرار کرد
(مضارع: يهربُ)
هل : آیا
هلك : مُرد، هلاک شد
(مضارع: يهلكُ)
هم : آنها، ایشان «مذکر»
هم : آنها «مذکر»
هما : آن دو، آنها
هما : آن دو، - آنها «مثنی»
هن : آنها، ایشان «مؤنث»
هن : آنها «مؤنث»

وحدّة : تنهایی

وحدك : تو به تنهایی

وحد : تنها

وراء : پشت «متضاد: أمام»

ورد : گُل «وردة : یک گُل»

ورع : پارسایی ۹

ورق : برگ «جمع: أوراق»

وصفة : نسخه

وصل : رسید

وضع : گذاشت ۷

وقع : اتفاق افتاد، افتاد ۴

وقف : ایستاد

ولد : پسر، فرزند

«جمع: أولاد»

ولو : اگرچه ۴

ولي : یار «جمع: أولياء»

ه

ه : او، - آن «مذکر»

هان : ۱



إِلَى اللِّقَاءِ
فِي الصَّفِّ العَاشِرِ ؛
فِي أَمَانِ اللّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه بر نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

ارسال نمایند. talif@talif.sch.ir

دفتر تالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری